

راهنمای پژوهش و تحقیق در نهج البلاغه

ابوالحسن مؤیدی*

چکیده

پژوهش و دستیابی به معارف غنی نهج البلاغه علوی مرهون شناخت دقیق این کتاب براساس آثاری است که در زمینه شکل، ساختار و تبیین معانی آن ارائه شده است. این مقاله در دو بخش به معرفی نهج البلاغه، دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان درباره آن، معرفی ترجمه‌های فارسی، فرهنگ‌نامه‌ها، فرهنگ‌های واژگان و موضوعی نهج البلاغه و شیوه استفاده از آن می‌پردازد و ضمن معرفی مهم‌ترین شروح فارسی و عربی نهج البلاغه، به تبیین شیوه تألیف و نگارش برخی شروح جهت استفاده محققان می‌پردازد.

واژگان کلیدی

نهج البلاغه، شروح فارسی و عربی، فرهنگ‌نامه‌ها، فرهنگ موضوعی.

*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان.

مقدمه

نوشته‌ای که دیده نقادانه شما را می‌طلبد، مطالبی است موجز پیرامون سترگ کتابی که «فروتر از کلام خدا و فراتر از کلام بشر» است و یکی از جنبه‌های زیباشناختی آن «گنجایش معانی بسیار در الفاظ اندک» می‌باشد. این کتاب سترگ که نهج‌البلاغه نام دارد، سیراب‌کننده جان تشنگان و التیام‌بخش زخم مجروحان و بیدارکننده روح خفتگان در همه اعصار و قرون بوده است. گردآورنده شریف این کتاب شریف رضی رحمته الله علیه (۳۵۹ - ۴۰۶ ق) در توصیف آن می‌گوید:

سخنان برگزیده سرورمان، سرچشمه و آبشخور فصاحت و منشأ و خاستگاه بلاغت است و اصول و قوانین سخن و سخنوری از آن اقتباس شده و روش آن سرمشق هر خطیب ادیب و سخنور ادیبی گشته و با این همه کسی در فراخنای بلاغت و پهنه رسایی به گرد او نرسیده، زیرا کلام او نمونه‌ای از علم الاهی است و بوی سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن به مشام می‌رسد.

این کتاب از زمان گردآوری تاکنون توانسته است قلب مشتاقان ادب و فرهنگ را از هر سو به خویش معطوف دارد، هم کسانی که شیفته فرهنگ دینی و انسانی‌اند بدان توجه نشان داده و هم کسانی که فریفته رسایی و شیوایی بی‌مانند آنند، با اقبال و استقبال از آن آثار ارجمندی فراهم آورده‌اند. شرح‌های بسیاری نیز بر آن نگاشته شده و ترجمه‌های متنوعی از آن بازار اندیشه را رونق بخشیده است.

معرفی اجمالی نهج‌البلاغه**۱. چگونگی جمع‌آوری نهج‌البلاغه**

کتاب عظیم نهج‌البلاغه که زیباترین و برترین تجلی بلاغت عرب است و به برادر کوچک قرآن ملقب شده است،^۱ مجموعه نفیسی از برخی خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار و

۱. از هبه‌الدین شهرستانی نقل شده که کرنکوی انگلیسی (krenkow) (۱۹۵۳ - ۱۸۷۲ م) در پاسخ کسی که

حکمت‌آموز مولی‌الموحدين امام‌المتقين علی‌علیه‌السلام می‌باشد که به‌وسیله ابوالحسن محمد بن حسین ملقب به (شریف رضی) (۴۰۶ - ۳۵۹ ق بغداد) جمع‌آوری و نام‌گذاری شده است. این کتاب بنا به قول مشهور شامل ۲۳۹ خطبه، ۷۹ نامه و ۴۸۰ کلمه قصار می‌باشد. «سید رضی» اعتراف دارد بخش گردآوری شده کمتر از مقداری است که جمع‌آوری نشده است.

اما یعقوبی (م. ۲۸۶ ق) از چهارصد خطبه امام علی‌علیه‌السلام یاد می‌کند (یعقوبی، بی‌تا، ص ۱۵) و «مسعودی (م. ۳۴۵ ق) که حدود ۱۴ سال قبل از تولد سید رضی رحلت نموده تعداد خطبه‌ها را بیش از چهارصد و هشتاد و چند می‌داند. (مسعودی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۴۳۱) یعنی حدود دو برابر آنچه شریف رضی جمع‌آوری کرده است. باید دانست که خطبه‌های امام قبل از سید رضی نیز هر چند به‌صورت ناقص، جمع‌آوری شده است. به‌عنوان نمونه جاحظ (م. ۲۵۵ ق) که از علمای عامه است و حدود ۱۰۴ سال قبل از تولد سید رضی در گذشته، می‌گوید: خطبه‌های علی‌علیه‌السلام مدون و مضبوط و مشهور بوده است. علامه حسن‌زاده آملی در کتاب *انسان کامل از دیدگاه نهج‌البلاغه* عبیداله بن ابی‌رافع (متوفی بعد از سده اول) کاتب امیرالمؤمنین و زید بن وهب جهنی متوفی ۹۶ هجری را اولین کسانی می‌داند که وصایا و خطب آن جناب را جمع‌آوری نموده‌اند.

وی می‌افزاید جاحظ اولین کسی است که کلمات قصار آن حضرت را جمع‌آوری کرده، صد کلمه امام را، «مطلوب کل طالب (من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب)» نامیده است که وسیله «رشید و طواط» (۷۱۸ - ۶۳۲ ق) شرح شده است.

درباره اعجاز بلاغی قرآن سؤال کرده بود گفت: «برای قرآن برادر کوچکی است به نام نهج‌البلاغه آیا برای کسی امکان دارد مانند نهج‌البلاغه که برادر کوچک‌تر قرآن است بیاورد؟ تا ما را مجال گفتگو در امکان آوردن کلامی بلیغ، نظیر قرآن باشد.» (مبین، پیش شماره ۱، ص ۶۳) همین‌طور که نهج‌البلاغه را «اخ‌القرآن» گفته‌اند، صحیفه سجادیه، زبور آل محمد ﷺ یا انجیل اهل‌بیت و اخت‌القرآن (خواهر قرآن نامیده‌اند). بنگرید به: فیض الاسلام، ۱۳۷۵ ق، ص ۳.

مطالبی که شریف رضی در نهج البلاغه نیاورده، بعدها وسیله دانشمندان اسلامی جمع‌آوری و به نام مستدرکات به چاپ رسیده که کتاب *نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه* مرحوم شیخ محمدباقر محمودی درهشت جلد از آن جمله است. این مطالب سوای کتاب *غررالحکم و دررالکلم* تمیمی آمدی (م. ۵۱۰ ق) است که شامل ۱۱۰۰۰ کلمه قصار می‌باشد.^۱

یکی از علل موفقیت سید رضی در جمع‌آوری نهج البلاغه دسترسی او به دارالعلم برادرش سیدمرتضی (علم الهدی) (۴۳۶ - ۳۵۵ ق) بوده که می‌گویند حدود ۸۰۰۰۰ جلد کتاب در آن نگهداری می‌شده است. این گنجینه نفیس غیر از کتاب خانه عمومی بغداد «بیت الحکمه» می‌باشد.

البته در آن زمان به دلیل شکوفایی تمدن اسلامی دسترسی به منابع، بسیار آسان‌تر بوده است. بعدها به جهت حملات وحشیانه مغول و مسیحیان اروپا تعداد کثیری از منابع اسلامی نابود شد. می‌گویند وقتی که هلاکو خان وارد بغداد شد، از کتاب‌های کتابخانه‌ها بر روی رود پلی ساخت تا لشکریانش از آن عبور کنند و دستور سوزاندن سایر کتاب‌ها را صادر نمود. تاریخ نگاران می‌گویند که وقتی اروپاییان به طرابلس شام حمله کردند سه میلیون کتاب را آتش زدند. (امالی و دیگران، بی‌تا، ص ۱۷ و ۱۸) می‌بینیم چگونه منابع ذی‌قیمت فرهنگ اسلامی در حمله فرنگیان نابود می‌شود.

نکته قابل ذکر این که آن چه سید رضی به نام خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات حکمت‌آمیز از آن حضرت آورده، فقط قسمت‌هایی از نامه یا خطبه یا کلمات قصار است که به نظر سید از اوج فصاحت و بلاغت برخوردار است و به همین دلیل در گزینش خویش از باب «المختار من خطب»، باب «المختار من کتب» و باب «المختار من حکم» امیرالمؤمنین نام می‌برد؛ یعنی جاهایی که او از نامه یا خطبه یا کلمات قصار گزینش کرده است.

۱. از قاضی قضاعی (م ۴۵۴ ق) کتابی به نام *دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم* به چاپ رسیده که محتوای آن دارای نکاتی ارزنده است که خیلی از موارد آن در نهج البلاغه و غررالحکم یافت نمی‌شود.

از این رو برخی نامه‌ها یا خطبه‌ها نیمی، کمتر یا بیشتر از آن چیزی است که قبل از سید نقل شده است. مثلاً آن چه که به‌عنوان نامه امام به مالک اشتر (مقتول ۳۷ ق) در نهج البلاغه آمده، حدود چهار پنجم آن چیزی است که ابن شعبه حرّانی (م. ۳۸۱ ق) در *تحف العقول* ذکر کرده است.

۲. نهج البلاغه از دیدگاه برخی اندیشمندان

می‌گویند کلام، مرحله نازلی از روحیه متکلم است و طبعاً کلام مولا علیه السلام که انسان کامل است مرحله نازلی از روح بلند آن حضرت است از سویی هر کس به تناسب ظرافت و ظرفیت روح خویش از کلام حضرت بهره می‌برد. از این رو هر اندیشمندی به تناسب ادراکات و روحیات خویش این کتاب بزرگ را ستوده است.

البته دیدگاه اندیشمندان پیرامون نهج البلاغه به‌صورت کتاب و مقالات ارائه شده است و فهرست کردن آن نه در خور این مقال است و نه کاری بدیع به حساب آید و از این رو فقط به چند نمونه آن بسنده می‌کنیم.

الف) امام خمینی ره (۱۳۶۸ - ۱۲۸۱) در پیام به کنگره هزاره نهج البلاغه می‌فرماید:

و اما کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست، برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی، خود معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعاد بی‌اندازه ابعاد یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هرچه تاریخ به پیش رود و هرچه جامعه‌ها به وجود آید و دولت‌ها و ملت‌ها متحقق شوند و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیابند و در آن غور کنند و غرق شوند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۰، ص ۱۸ و ۱۹)

ب) آیت‌الله طالقانی ره (م. ۱۳۵۸) در مقدمه ترجمه نهج البلاغه خویش می‌نویسد:

مطالعه دقیق نهج البلاغه در برابر چشم و خیال خواننده تربیت کامل انسان را متمثل می‌نماید و در هر صفحه از آن نوعی از منطق امیرالمؤمنین را می‌نگرد

که مربوط به تربیت و تحریک یک قسم از قوای انسانی و تقویت بنیه فضائل معنوی است و به مناسبت منطق و سخن در هر قسمت این کتاب آن حضرت با روحیه و وضع و لباس و محیط خاصی در نظر جلوه می‌نماید که شاید شخص بی‌اطلاع از شخصیت علی علیه السلام درباره وحدت گوینده آن دچار شک گردد. (طالقانی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۷)

(ج) ابن ابی‌الحدید (۶۵۶ - ۵۸۶ ق) می‌گوید:

علي عليه السلام امام الفصحاء و سيدالبلغاء و كلامه دون كلام الخالق و فوق كلام المخلوقين؛ علی عليه السلام پیشوای فصاحت و سرور بلاغت است و کلام او از کلام خالق فروتر و از کلام مخلوقین فراتر است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴)

(د) جرجی زیدان (۱۸۶۱ - ۱۹۱۴) می‌گوید:

مشهورترین خطیب صدر اسلام امام علی بن ابی‌طالب است. برای دموستنس (Demostens) (و ۳۸۴ - ف - ۳۲۲ ق. م) خطیب مشهور یونان شصت و چند خطبه ذکر کرده‌اند که نصف آن را هم به اشتباه به او نسبت داده‌اند و این خطبه‌های امام علی است که چند صد خطبه شماره کرده‌اند. (جرجی‌زیدان، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۸)

(ه) هانری کرین خاورشناس فرانسوی پیرامون نهج‌البلاغه می‌گوید:

بعد از قرآن و احادیث پیامبر اسلام، نهج‌البلاغه در درجه اول اهمیت قرار دارد. باید گفت به‌طور کلی این کتاب تنها به قلمرو حیات مذهبی تشیع محدود نیست؛ بلکه تفکر فلسفی شیعه نیز به آن وابسته است و از آن مایه می‌گیرد. از این‌رو باید نهج‌البلاغه را از مهم‌ترین سرچشمه‌هایی به شمار آورد که متفکران شیعه پیوسته از آن سیراب گشته‌اند... (آل یاسین، ۱۳۶۰، ص ۵۶)

(و) علامه سیدهبه‌الدین شهرستانی (ت ۱۳۰۱ ق) نقل می‌کند:

در سال ۱۳۲۸ هجری رئیس منشیان کنسول‌گری انگلستان در بغداد (نرسی سیان) که مردی فاضل بوده ضمن بحث پیرامون نهج‌البلاغه گفت: نهج‌البلاغه بر

هر سخن عربی برتری دارد و برای تأیید گفتار خویش از نهج البلاغه مطالبی آورد. (شهرستانی، ۱۳۵۹، ص ۲۱)

۳. ترجمه نهج البلاغه به فارسی

نهج البلاغه از دیرباز مورد توجه اهل معرفت بوده، به همین دلیل پس از قرآن بیش از هر کتاب اسلامی دیگر به زبان‌های فارسی، انگلیسی، اردو، ترکی، فرانسوی، اسپانیایی، صرب، کروات، ایتالیایی، گجراتی، سندی و کیامکی و بخش‌هایی از آن به ایتالیایی، آلمانی و دیگر زبان‌ها ترجمه شده است. (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ص ۵۰ - ۵۲؛ ج ۱۲، ص ۷۷) از میان زبان‌های یاد شده «نهج البلاغه» به هیچ زبانی به اندازه فارسی ترجمه نشده است. اما در این که از چه زمانی به فارسی برگردانده شده و اولین مترجم این اثر عظیم که بوده، اطلاع درستی در دست نیست. دکتر شهیدی، یکی از مترجمین نهج البلاغه، می‌نویسد: «بسیاری از پژوهندگان بر آن بودند که نخستین ترجمه فارسی نهج البلاغه در سده دهم از هجرت و در حکومت صفویان صورت گرفته است و دیرینه‌ترین ترجمه‌ای که نشان آن را داشتند، شرح و ترجمه جلال الدین حسین بن شرف‌الدین اردبیلی معاصر اسماعیل صفوی است. این شرح منهج الفصاحه است که به سال ۹۰۵ هجری تألیف شده است و پس از آن ترجمه و شرح ملافتح‌اله کاشانی (م. ۹۸۸) قرار دارد که آن را «تنیه الغافلین» نامیده است و...» (بهشتی، بی‌تا)

اخیراً ترجمه فارسی از نهج البلاغه به تصحیح عزیزالله جوینی را شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسانده که مترجم آن ناشناس است؛ اما دکتر جوینی در مقدمه می‌نگارد که نحوه نگارش مربوط به حدود سده پنجم و ششم هجری است. اگر از نظر دکتر شهیدی در رد سخن دکتر جوینی صرف‌نظر کنیم و این ترجمه را اولین ترجمه قلمداد نماییم، ترجمه‌های دیگر به ترتیب عبارت خواهند بود از:

۱. ترجمه و شرح جلال‌الدین اردبیلی، تألیف در ۹۰۵ هجری.
۲. ترجمه و شرح ملافتح‌اله کاشانی چاپ قدیم در یک جلد و اخیراً در سه مجلد،

متوفی ۹۸۸ هجری قرن دهم.

۳. ترجمه و شرح ملا صالح قزوینی، از دانشمندان قرن یازدهم هجری.

۴. ترجمه و شرح سیدعلی نقی فیض الاسلام (م. ۱۳۶۴) در پنج مجلد، دو مجلد و یک مجلد.

۵. ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی در ۳ مجلد.

۶. ترجمه محسن فارسی که بدون متن عربی در یک مجلد.

۷. ترجمه های سیدنبی الدین اولیایی، داریوش شاهین، مصطفی زمانی، عبدالمجید معادینخواه، محمد مقیمی، دکتر سیدجعفر شهیدی، محمد دشتی، محمد مهدی فولادوند، محمدجواد شریعت، سیدجمال الدین دین پرور هر یک در یک مجلد و ترجمه عبدالمحمد آیتی در دو مجلد.

۸. نهج البلاغه منظوم در یک مجلد نوشته محمد حسین سلطانی.

قابل ذکر است تمام شارحین فارسی زبان، ابتدا نهج البلاغه را ترجمه و سپس توضیح داده اند. به همین دلیل تمام شارحین را نیز می توان مترجمین نهج البلاغه قلمداد نمود. دانشنامه امام علی از ۳۵ ترجمه فارسی در عصر حاضر و چهار ترجمه در قرن های گذشته نام برده است. (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ج ۱۲ ص ۷۸) البته همه ترجمه ها در آنچه گفتیم، خلاصه نمی شود و ترجمه های متعدد دیگری نیز وجود دارد که نگارنده از آن بی اطلاع بوده یا به دلیل عدم اطاله از نگارش آن صرف نظر گردیده است.

لازم به ذکر است سخنان علی علیه السلام به قلم آقای جواد فاضل که برگردان آزاد محسوب می شود با تمام شیوایی که دارد ترجمه حقیقی نهج البلاغه نیست.

برخی از دانشمندان به شرح یا ترجمه قسمتی از نهج البلاغه یا گزیده ای از خطبه ها و نامه ها مبادرت ورزیده اند مانند ترجمه و شرح مختصری از ۸۱ خطبه نهج البلاغه که توسط

آیت‌الله سید محمود طالقانی آن را فراهم آورده است. همچنین ترجمه اسدالله مبشری و... که به دلیل گستردگی و تعدد این نوع ترجمه‌ها از فهرست کردن آن پرهیز می‌کنیم. در این جا از میان ترجمه‌های نهج البلاغه، ترجمه آقای محمد دشتی را که در تابستان ۷۹ به چاپ رسیده و با ترجمه‌های دیگر متفاوت است، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این ترجمه، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها نامگذاری شده^۱ و در جای جای ترجمه بر علوم و فنون مختلف اشاراتی رفته است و مفاهیم نهج البلاغه عنوان‌بندی شده و برخی نکات تاریخی در پاورقی ذکر شده و تمام آیاتی که در نهج البلاغه آمده، آدرس آن آورده شده و در متن عربی اختلاف نسخه‌ها ذکر گردیده است که برای کار تحقیقی نیاز به دیدن نسخه‌های متنوع نیست.

در پایان نیز فهرست موضوعی نهج البلاغه براساس حروف الفبا در ۱۹۰ صفحه و فهرست مطالب نهج البلاغه در ۱۸ صفحه آورده شده که این دو فهرست کار را برای محققین آسان می‌نماید. با این همه ایراداتی بر این ترجمه وارد است. مثلاً بعضی مطالب ترجمه دقیق نیست و موضوع‌بندی‌های آن در خیلی موارد با محتوای سخن امام علی علیه السلام سازگاری کامل ندارد. همچنین آدرس خطبه‌ها یا نامه‌ها و سخنان امام در مواردی ناصحیح است، گرچه این کار از بزرگی عمل نویسنده نمی‌کاهد، اما برای پژوهش‌گر کار را مشکل می‌سازد. نکته دیگر این که عنوان دادن به مطالب، کار ابتکاری مرحوم دشتی نمی‌باشد و قبل از ایشان صاحب پرتوی از نهج البلاغه خطبه‌ها و نامه‌ها را نامگذاری کرده و از نام‌گذاری سخنان حکمت‌آمیز صرف نظر نموده است اما مرحوم دشتی همه را نام‌گذاری کرده است. این ترجمه را انتشارات لقمان در ۹۶۰ صفحه و ۵۰۰۰ شمارگان چاپ و منتشر کرده است. (دشتی، ۱۳۷۶)

۱. لازم به ذکر است شریف رضی از میان ۲۳۹ یا ۲۴۱ خطبه فقط ۴ خطبه را نام‌گذاری کرده که عبارتند از: یک. خطبه ۳ موسوم به شقشقیه، دو. خطبه ۸۴ موسوم به الغراء، سه. خطبه ۹۱ موسوم به الاشباح، چهار. خطبه ۱۹۲ موسوم به قاصعه. (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۹)

۴. فرهنگ نامه‌ها

برای استفاده از کتاب عظیم نهج البلاغه، بهره‌برداری از فرهنگ‌ها و منابع عمومی و اختصاصی ضرورت دارد. به‌طور کلی فرهنگ‌ها، سرچشمه‌های زلال اندیشه‌های بشری است که در طول اعصار و قرون به‌صورت کتب متنوع مدون گشته، در اختیار پژوهندگان جامعه انسانی قرار گرفته‌اند.

فرهنگ لغات و واژه‌ها یکی از اقسام فرهنگ‌ها است که براساس نحوه استعمال واژه در زبان‌های مختلف تدوین و تألیف گشته است. فرهنگ لغات را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو گروه مشترک و مختص تقسیم کرد. فرهنگ لغات مشترک - که عموماً به بررسی واژه‌های عمومی زبان‌ها می‌پردازد - معمولاً در هر زبانی از جمله عربی از قدیم رایج بوده و امروزه نیز تحت اختیار علاقه‌مندان می‌باشد. فرهنگ نامه‌های کهن عربی مانند *لسان العرب*، *تاج العروس*، *صحاح اللغة*، *نهایه* و لغت نامه‌های معاصر هم چون *المنجد*، *فرهنگ لاروس* و... جزء کتب مرجع هستند. در استفاده از این فرهنگ‌ها توجه به دو نکته ضرورت دارد.

۱. برخی فرهنگ‌ها مانند *لسان العرب* به جای تدوین براساس حروف الفبا و آغاز کلمه، بر مبنای حرف آخر کلمه تدوین شده است. مثلاً واژه اساس را باید در حرف (س) جستجو کرد نه الف. طبعاً این روش کار واژه‌یابی را به خصوص برای مبتدی دشوار خواهد کرد که با تمرین و تکرار قابل حل است.

۲. کاربرد معانی لغات در همه زمان‌ها یکسان نیست. گاهی یک واژه کاربرد مخصوص و معنای ویژه‌ای دارد و در زمان دیگر همین واژه کاربرد اولیه‌اش را از دست می‌دهد یا معنای اولیه‌اش دگرگون می‌شود. به عنوان نمونه واژه سیاست در ادبیات فارسی معنای متفاوتی در زمان ما و زمان سعدی (قرن هفتم) دارد. امروزه سیاست ترجمه واژه *politika* یونانی و به معنای حکومت و ریاست است؛ اما در قرن هفتم واژه سیاست کردن یا سیاست فرمودن به معنی ادب کردن، مجازات نمودن، کشتن و تربیت نمودن و... بوده است. به عبارت دیگر قرائت متون کهن ادب فارسی به ممارست و آگاهی نیاز دارد. چنین

مشکلی در ادبیات عربی نیز دیده می‌شود. نثر امروز عربی با متون کهن تفاوت بسیار جدی دارد، به نحوی که برای فهم متون گذشته، عرب‌زبانان مجرب نیز در برخی واژه‌ها راهی جز رجوع به فرهنگ‌ها ندارند. در این جا این پرسش پیش می‌آید که برای فهم واژه‌ها به کدام فرهنگ لغت باید مراجعه نمود؟ طبعاً فرهنگ‌هایی همچون *المنجد* و *لاروس* برای استفاده از واژه‌های معاصر بیش از واژه‌های کهن کاربرد دارد، چنانکه *نهایه*، *مجمع‌البحرین*، *قاموس* و... برای استفاده از واژه‌های کهن دقیق‌تر و ارزشمندتر است.

برای آگاهی از لغات عمومی نهج‌البلاغه و قرآن، *مجمع‌البحرین* یکی از بهترین واژه‌نامه‌هاست که به اختصار آن را معرفی می‌نماییم:

«*مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین* اثر طریحی (۱۰۸۵ - ۹۷۹ ق) عالم امامی، فقیه، لغوی و شاعر شیعی است که در رماحیه عراق، معاصر حر عاملی است و از شیخ بهایی روایت کرده است. (تفضلی، ۱۳۷۲، ص ۴۱۵)^۱ این واژه‌نامه شش جلدی به تحقیق سیداحمد حسینی در سه مجلد چاپ و منتشر شده است. روش نگارش آن مانند *لسان‌العرب* ابن منظور براساس حروف آخر واژه تنظیم شده است. مثلاً واژه (اله) را باید در پایان جلد ششم جستجو نمود. این کتاب را در حدود ۲۸۰۰ صفحه در سه جلد قطور برای دومین بار در سال ۱۳۶۲ شمسی انتشارات «المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه» به طبع رسانده است. اخیراً محمود عادل کتاب مذکور را در دو جلد براساس حروف اول کلمه (الفبا) برگردان کرده و دفتر نشر فرهنگ اسلامی آن را متذکر کرده است. *مجمع‌البحرین* شامل واژه‌های مشکل آیات، روایات، کتب و ادعیه است.

نحوه کار این فرهنگ نامه چنین است که معمولاً یک لغت را توضیح می‌دهد و یک یا چند آیه را به عنوان شاهد ذکر می‌کند و از روایات نیز برای تأیید استفاده می‌نماید و در پاورقی، منابع روایات را یادآوری می‌نماید. دو جلد اخیر که کتاب را به ۴ قسمت تقسیم

۱. صاحب کتاب، مطلع‌النیرین را مطلع‌النهرین که اشتباه نوشته است.

کرده در ۲۵۶۷ صفحه به قطع وزیری است که جلد اول از الف تا ص و جلد دوم از ص تا ی را شامل می‌شود.

امتیاز مجمع‌البحرین بر سایر کتب لغت در این است که این کتاب علاوه بر لغات از غرایب قرآن و حدیث و در پاره‌ای موارد از شرح و تفسیر عقاید بحث می‌کند. گویی دایره‌المعارف کوچکی است که موضوعات متنوعی از اعتقادات شیعه امامیه را تبیین می‌نماید. پس از ذکر فرهنگ عمومی به فرهنگ‌های اختصاصی می‌پردازیم.

فرهنگ‌نامه‌های اختصاصی که واژه‌های موجود در یک کتاب یا یک فن را شامل می‌شود مانند *لسان‌التنزیل* و *وجوه قرآن* که فقط واژه‌های موجود در قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهند و *قاموس نهج‌البلاغه* و *مفردات نهج‌البلاغه* به لغات موجود در نهج‌البلاغه می‌پردازد.

صاحب شناخت نهج‌البلاغه فرهنگ نامه را چنین معرفی می‌کند «فرهنگ نامه نهج‌البلاغه به کتاب‌هایی می‌گوییم که تمام مطالب نهج‌البلاغه را به گونه‌ای آورده باشند که مراجعه‌کنندگان به این کتاب به سهولت بتوانند مطلب دل‌خواه را بیابند و زمینه هرگونه تحقیق و بررسی را فراهم کرده باشند.» (دشتی، ۱۳۷۶) با توضیح فوق‌الذکر، معاجم، شروح و واژه‌ها را می‌توان در فرهنگ نامه جای داد. به همین دلیل نویسنده شناخت مذکور منابع ذیل را جزء فرهنگ نامه‌ها آورده است.

الف) انواع شروحي که بر نهج‌البلاغه نوشته شده.

ب) کتب ابزاری که ما را در پیدا کردن هر گونه مطلبی کمک می‌کنند. مانند:

الدلیل نوشته علی انصاریان، *الهادی* نوشته آیت‌الله مشکینی، *تصنیف نهج‌البلاغه* نوشته لیبیب بیضون، *الکاشف* نوشته دکتر مصطفوی، *المعجم المنهرس لالفاظ نهج‌البلاغه* نوشته دشتی - محمدی و ترجمه آن، همچنین *فرهنگ آفتاب* نوشته معادینخواه، دایره‌المعارف علوم نوشته کمره‌ای و... .

بدیهی است می‌توان واژه‌نامه‌هایی مانند قاموس نهج البلاغه محمدعلی شرقی و مفردات نهج البلاغه سید علی اکبر قرشی و... را جزء فرهنگ نامه‌ها به شمار آورد.

۵. فرهنگ‌های نهج البلاغه

یکی از منابع مهم جهت استفاده کامل از نهج البلاغه آشنایی با فرهنگ‌ها و کتب لغت عربی به‌ویژه لغات نهج البلاغه است. وقتی به اهمیت این مسئله بیشتر آگاه می‌شویم که بدانیم امام علیه السلام لغات مترادف را در سخنان خویش فراوان به کار برده است و برای فهم سخن امام باید معنای دقیق واژه‌ها را با استفاده از کتب لغت استخراج نماییم. فرهنگ نهج البلاغه نیز در یک تقسیم‌بندی به دو دسته فرهنگ واژه‌ها و فرهنگ موضوعات تقسیم می‌شود. کتاب‌هایی مانند قاموس نهج البلاغه نوشته آیت‌الله شرقی و مفردات نهج البلاغه آیت‌الله قرشی و فرهنگ واژه‌های معادل مرحوم دشتی در فرهنگ واژه‌ها جای می‌گیرند همین‌طور که فرهنگ آفتاب، الدلیل - الهادی و... در فرهنگ موضوعات. پس با تقسیم‌بندی فوق ابتدا به تدوین فرهنگ واژه‌ها سپس به تنظیم موضوعات می‌پردازیم.

الف) فرهنگ واژه‌ها

۱. قاموس نهج البلاغه

یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که پیرامون لغات نهج البلاغه به رشته تحریر درآمده، قاموس نهج البلاغه نوشته مرحوم آیت‌الله محمدعلی شرقی است که در چهار جلد تدوین و چاپ گردیده است.

روش نگارش کتاب براساس واژه‌های ثلاثی مجرد است و مشتقات آن سپس ذکر شده و با استفاده از نهج البلاغه توضیح و شرح شده است. سپس احادیثی به عنوان (وعظ و روایات) آمده و مؤلف آن برای چهار نسخه نهج البلاغه فیض الاسلام - عبده -

صبحی‌الصالح و شرقی‌فهرستی قرار داده است. چون نهج‌البلاغه مشتمل بر خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست، برای خطبه‌ها حرف (ط)، نامه‌ها حرف (ر) و حکمت‌ها حرف (ح) را انتخاب نموده است. در شماره‌گذاری عدد یک برای نهج‌البلاغه عبده و دو به نهج‌البلاغه شرقی اشارت دارد. ضمناً نویسنده در مقدمه از دو نهج‌البلاغه دیگر بحثی به میان نمی‌آورد. کتاب *قاموس نهج‌البلاغه* در آغاز به صورت جملات کوتاه عربی است که به فارسی ترجمه شده و در ۴ مجلد مجموعاً ۲۴۴۶ صفحه به قطع وزیری است و دارالکتب الاسلامیه در سال ۱۳۶۶ آن را به چاپ رسانده است.

۲. مفردات نهج‌البلاغه

از کتب دیگری که پیرامون واژه‌های نهج‌البلاغه به چاپ رسیده *مفردات نهج‌البلاغه* نوشته آقای سیدعلی اکبر قرشی است. این کتاب در دو جلد و مجموعاً در ۱۱۷۶ صفحه به قطع وزیری است و موسسه فرهنگی نشر قبله تهران در سال ۱۳۷۷ آن را به چاپ رسانده است.

نویسنده کتاب می‌گوید: «نهج‌البلاغه با حذف مکررات و مشتقات آن، حدود ۲۴۲۲ کلمه است که همه آنها در این کتاب توجه و بررسی شده و شواهد و مصادیقی از سخنان امام علیه السلام برای آنها نقل گردیده است.» وی پیرامون چگونگی استفاده از مفردات می‌نویسد: «طریق استفاده از این کتاب آن است که ثلاثی مجرد کلمه‌ای را در نظر گرفته به طریق الفبا مثل کتاب‌های لغت آن را پیدا کنید. بعد از پیدا کردن خواهید دید که آن کلمه با مشتقاتش در کتاب، ترجمه شده و شواهدی از نهج‌البلاغه برای آن آورده شده و به مناسبت همان کلمه بعضی از فرموده‌های امام علیه السلام توضیح داده شده است.» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸)

در این کتاب خطبه‌ها را با حروف (خ) نامه‌ها با (ک) و حکمت‌ها با واژه حکمت و شماره آن نشان داده شده است. شمارش خطبه‌ها و نامه‌ها و سخنان حکمت‌آمیز براساس

شمارش دکتر صبحی الصالح نوشته شده. در غالب واژه‌ها تعداد موارد ذکر شده بیان گردیده و در بعضی واژه‌ها به توضیح آن اکتفا شده است. ایرادی که بر چاپ اول این کتاب وارد است اغلاط چاپی متعدد و ضعف در ویرایش آن است.^۱

۳. فرهنگ نهج البلاغه

این کتاب مجموعه لغاتی است که دکتر صبحی الصالح در پایان نهج البلاغه گردآوری کرده و آقای مصطفی رحیمی نیا آن را به فارسی برگردانده است و به دو ترتیب نهج البلاغه‌ای و الفبایی تدوین شده است. ترتیب اول بر اساس نهج البلاغه است و واژه‌های هر خطبه یا نامه در جای خویش نوشته شده و در پایان براساس حروف الفبا تمام واژه‌های عربی جمع‌آوری و بدون ترجمه و با ذکر فهرست صفحه‌ای که واژه مذکور دارد مدون گردیده و انتشارات اسلامی در سال ۱۳۷۰ آن را در ۳۱۲ صفحه به چاپ رسانده است.

لازم به ذکر است دکتر صبحی الصالح در پایان نهج البلاغه فهرستی از واژه‌های مشکل این کتاب عظیم را گرد آورده و «فهرس الالفاظ العربیه» نامیده است. این فهرست که حاوی (۵۰۳۱) واژه می‌باشد برای کسانی که اطلاع عمومی از ادبیات عرب دارند، قابل استفاده است. در ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه که زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی و براساس تصحیح نهج البلاغه دکتر صبحی الصالح تدوین شده، فهرست الفاظ با ترجمه فارسی آن آمده است.

۴. سیری در فرهنگ لغات نهج البلاغه

این کتاب به ترتیب الفبایی تدوین شده و مؤلف در مقدمه جلد اول مجموع این فرهنگ‌نامه را سه جلد می‌داند، اما تاکنون به جز جلد اول، مجلدات دیگر به چاپ نرسیده است یا نگارنده از آن بی‌اطلاع است. روش کار مؤلف چنین بوده که توضیحات مربوط به

۱. چاپ دوم که توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به سال ۱۳۸۲ در ۱۱۱۰ صفحه صورت پذیرفته این نقص را مرتفع نموده است.

هر واژه معمولاً در ذیل همان کلمه آورده شده و شماره خطبه، نامه و کلمات قصار و صفحه و سطر براساس نسخه مرحوم فیض الاسلام ذکر شده است.

برای استفاده بهتر از کتاب، علائم اختصاری نیز نگاشته شده که خواننده را در فهم بهتر محتوای کتاب یاری می‌نماید. مؤسسه کیهان جلد اول این کتاب را در سال ۱۳۶۷ در ۵۹۲ صفحه چاپ و منتشر کرده است.

نویسنده مقاله نهج البلاغه از فرهنگ‌های زیر نام می‌برد که به خاطر عدم دسترسی، امکان بررسی جزئیات آنها میسر نشد.

۱. فرهنگ لغات قرآن مجید و نهج البلاغه، علاء‌الدین مجتبوی، تهران، کتابفروشی

مصطفوی ۱۳۴۳ ش، ۲۲۸ صفحه؛

۲. فرهنگ لغات نهج البلاغه، کاظم فرهمندی، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۵۸ ش،

۳۵۲ صفحه؛

۳. حل لغات نهج البلاغه، مولوی اعجاز حسین بدیوانی (۱۳۵۰ هـ)؛

۴. واژه‌های نهج البلاغه، عمران علی‌زاده، ۱۳۶۰ ش، رقعی، ۲۰۰ صفحه. (جمعی از

نویسندگان، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۸۱)

ب) فرهنگ‌نامه‌های موضوعی

فرهنگ‌نامه‌هایی که موضوعات نهج البلاغه را استخراج و تدوین نموده‌اند یا جنبه واژه‌ای دارند و یا حالت اصطلاحی و محتوایی. مثلاً فرهنگ آفتاب، فرهنگ‌نامه موضوعی نهج البلاغه، الدلیل، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، الهادی الی موضوعات نهج البلاغه فرهنگ‌نامه‌هایی هستند که مطالعه آنها در شناخت معانی و مفاهیم نهج البلاغه تأثیرگذار است.

این فرهنگ‌ها را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

– بعضی از نویسندگان خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها را به موضوعات مختلف و متنوع تقسیم کرده‌اند.

مثلاً خطبه اول نهج البلاغه را به موضوعات اعتقادی، علمی، تاریخی، سیاسی، تقسیم‌بندی نموده‌اند. به عنوان نمونه مرحوم دشتی در فصل دوم جلد دوم آشنایی با نهج البلاغه تحت عنوان سیری در معارف نهج البلاغه به تفصیل و در فصل سوم فهرست‌گونه به این کار مبادرت ورزیده است.

همچنین در کتاب دیگرش که فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه نام دارد، موضوعات کلی نهج البلاغه براساس نگارش موجود گسترده‌تر شده با جملات نهج البلاغه، ترجمه و آدرس هر قسمت تدوین شده است. مثلاً موضوعات چهارگانه اعتقادی علمی، تاریخی و سیاسی خطبه اول به ۱۶ مورد (هشت مورد اعتقادی، سه مورد علمی و پنج مورد تاریخی) تقسیم شده است.

در این کتاب، مباحث نهج البلاغه در ۶۶ عنوان اساسی و ۴۸۵۰ زیر مجموعه تدوین گردیده است.

در پایان نیز فهرست موضوعی کتاب براساس حروف الفبا (از «آتش» تا «یهود») در ۹۳ صفحه تدوین شده است.

این کتاب را مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین در ۳۰۰۰ شمارگان و ۷۰۲ صفحه چاپ و منتشر است.

– اما گروهی دیگر موضوع‌ها را براساس حروف الفبا تدوین و از خطبه‌ها – نامه‌ها و کلمات قصار برای هر یک از موضوعات مطالبی را ارائه نموده‌اند.

ابتدایی‌ترین نوع این فرهنگ‌ها کاری است که دکتر صبحی‌الصالح تحت عنوان فهرس الموضوعات العامه، مرتبه علی حروف المعجم در پایان کار خود بر نهج البلاغه آورده و ۳۵ صفحه را بدان اختصاص داده است. سپس موضوعات تخصصی‌تر را در فهرست دیگری تحت عنوان «فهرس الخطب و انواعها» در ۲۶ صفحه ارائه نموده است.

کاری که آقایان امامی و آشتیانی در پایان ترجمه گویا و شرح فشرده بر نهج البلاغه آورده‌اند، مکمل کار صبحی‌الصالح است که با استفاده از الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه و الکاشف لالفاظ نهج البلاغه کار دکتر صبحی تکمیل شده و فهرست بهتری از موضوعات به اهل تحقیق ارائه شده است. (مکارم‌شیرازی و دیگران، بی‌تا، ج ۳، ص ۳) فرهنگ آفتاب و مانند آن نمونه‌های بسیار کامل‌تر فرهنگ موضوعی نهج البلاغه است که به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

اخیراً دفتر تبلیغات اسلامی کتابی تحت عنوان جلوه‌های حکمت را منتشر کرده که پیرامون ۲۲۵ موضوع از نهج البلاغه و سایر منابعی است که از سخنان امام علیه السلام گردآوری و به فارسی ترجمه شده است.

در اینجا از میان فرهنگ‌های موضوعی دو نمونه را معرفی می‌نماییم.

۱. فرهنگ آفتاب (عبدالمجید معادیخواه)

این کتاب یک فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه است که موضوعات فراوانی از نهج البلاغه براساس حروف الفبا تدوین و مجموعاً در ده جلد به فارسی روان نوشته شده است. در این کتاب از «آب» تا «یهود» مشتمل بر قریب یک هزار مدخل اصلی در نه جلد چاپ شده و جلد دهم نیز به فهرست تفصیلی این نه جلد و دیگر فهرس راهنما اختصاص دارد. (شوشتری، ۱۳۷۸، ص ۵۱)

در این کتاب ابتدا واژه فارسی انتخاب سپس از نهج البلاغه نمونه‌ای از مطلب را ذکر و ترجمه می‌نماید.

نویسنده کتاب فرهنگ آفتاب، نهج البلاغه را ترجمه کرده و خورشید بی‌غروب نام نهاده است. سپس عبارات آن را منقسم و شماره‌گذاری کرده است. در انتهای عبارت نهج البلاغه که در فرهنگ آفتاب نوشته، شماره‌ای را ذکر کرده که آن شماره نشان دهنده محل قرار گرفتن مطلب مذکور در کتاب خورشید بی‌غروب می‌باشد.

مثلاً در صفحه ۳۲ ج ۱ قسمت ۶ - ۱ تحت عنوان آرایش سیرت می‌نویسد:

العفاف زینه الفقر؛ و الشکر زینه الغنی «۶۳۳»؛

آبروداری آرایش تهی‌دستی است، و سپاس‌گزاری زینت توان‌گری.

ملاحظه می‌شود که در انتهای جمله امام علیه السلام شماره‌ای ضبط شده که این شماره به

ترجمه نهج البلاغه معادینخواه خورشید بی‌غروب باز می‌گردد.

اگر خورشید بی‌غروب در دسترس نباشد می‌توان از نهج البلاغه فیض استفاده کرد و

چند جمله‌ای پس و پیش را مورد دقت قرار داد یا از فهرست مقایسه‌ای موجود فرهنگ

آفتاب بهره برد.

این کتاب یکی از بهترین فرهنگ‌هایی است که دانشجویان عزیز و محققین فارسی

زبان می‌توانند مفاهیم مورد نظر خود را از آن انتخاب و سپس با استفاده از شرح‌های مختلف

نهج البلاغه به کنکاش پرداخته و با اندیشه خویش پرورش داده و از سرچشمه باطراوت

علوی سیراب شوند و دیگران را نیز از زمزم حیات این سرچشمه معنوی سیراب نمایند.

فرهنگ آفتاب در ۱۰ جلد از الف تا ی تدوین شده و نشر ذره در ۱۳۷۲ آن را چاپ و

منتشر کرده است.

۲. فرهنگ‌نامه موضوعی نهج البلاغه (دکتر احمد خاتمی)

این کتاب براساس حروف الفبا به ضمیمه دو فهرست به نام فهرست مداخل در ۴۴ صفحه

و فهرست راهنما در ۴۱ صفحه و راهنمای علائم و نشانه‌ها در یک صفحه و جدول

اختلاف نسخه‌های چاپی نهج البلاغه در ۲۸ صفحه است که انتشارات سروش در ۱۳۸۱

آن را به چاپ رسانده است.

نویسنده کتاب در مقدمه می‌نویسد:

در این اثر کوشش شده است تا با استفاده از پژوهش پژوهش‌گران و با مطالعه

دقیق نهج البلاغه، بخش‌های مختلف نهج البلاغه از نظر موضوع، طبقه‌بندی و

سپس با ترتیب و تنظیم الفبایی به صورت فرهنگ نامه‌ای با بیش از یک هزار مدخل منظم و مرتب گردد. (خاتمی، ۱۳۸۱، ص ۲)

نویسنده محترم، نسخه نهج‌البلاغه دکتر صبحی الصالح را اساس قرار داده و به نسخه فیض و دکتر شهیدی نیز ارجاع داده است.

در اصل فرهنگ‌نامه ابتدا جملات نهج‌البلاغه، سپس ترجمه آن براساس فهرست مداخل آورده شده و در انتهای هر قسمت آدرس کامل از نهج‌البلاغه به تصحیح شهیدی، فیض الاسلام و صبحی ذکر شده است. این کتاب که در فهرست الفبایی از واژه «آثار بخل» آغاز و به واژه «یاری نیازمندان» خاتمه می‌پذیرد مجموعاً ۱۴۲۷ صفحه به قطع وزیری است.

نکته قابل ذکر این که بعضی واژه‌ها در فهرست مداخل ذکر نشده که در فهرست راهنمای تکمیل گردیده است. مثلاً واژه «آبرو» در مداخل نیامده، اما در فهرست راهنما از «حفظ آبرو» بحث کرده که می‌باید به واژه حفظ در فهرست مداخل مراجعه کرد.

۵. نحوه استفاده از فرهنگ‌ها

با توضیحاتی که قبلاً داده شد مشخص گردید فرهنگ‌های نهج‌البلاغه به دو دسته: فرهنگ واژه‌ها و فرهنگ‌های موضوعی تقسیم می‌شوند.

آنهایی که فقط واژه‌های نهج‌البلاغه را توضیح می‌دهند مانند قاموس نهج‌البلاغه، مفردات نهج‌البلاغه، فرهنگ لغات نهج‌البلاغه و فرهنگ واژه‌های معادل نهج‌البلاغه در فرهنگ واژه‌ها قرار می‌گیرند.

روش استفاده از این گونه فرهنگ‌ها معمولاً براساس شناخت ریشه لغات عربی (ثلاثی مجرد و مزید در اسم و فعل) میسر است و با اطلاع از ریشه ثلاثی مجرد هر یک می‌توان به مشتقات آن نیز پی برد و از محتوای آن با استفاده از شروح نهج‌البلاغه اطلاع حاصل نمود.

نکته قابل توجه این که با استفاده از واژه‌های مشهور به تنهایی نمی‌توان به محتوای کلام امام علیه السلام پیرامون یک موضوع واقف شد؛ زیرا آن حضرت در موارد متعدد از واژه‌های مترادف استفاده فرموده که این خود نوعی تسلط بر مترادفات را می‌طلبد.

به عنوان نمونه کسی که می‌خواهد پیرامون مرگ در نهج البلاغه تحقیق نماید، باید به واژه‌های موت، منون، منیه، حتف و... مراجعه کند؛ زیرا همه اینها به معنی مرگ استعمال شده است پس تسلط به لغات با استفاده از منابعی که تسلط به واژه‌ها را ساده نماید ضرورت دارد. البته گاهی برای فهم یک مطلب به واژه متضاد آن باید رجوع نمود. یکی از فرهنگ‌هایی که در این مورد تهیه شده فرهنگ *واژه‌های معادل نهج البلاغه* به قلم آقای محمد دشتی است.

این کتاب را که برای اولین بار در سال ۱۳۷۶ مرحوم محمد دشتی تدوین و تنظیم نموده است و مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین با قطع وزیری در ۶۲۱ صفحه آن را چاپ رسانده است. این کتاب یکی از مفیدترین کتاب‌های کلیدی برای تحقیق واژه‌هاست که کار را برای پژوهش‌گری که با استفاده از واژه‌های مترادف خواهان جستجو در موضوعات نهج البلاغه است آسان می‌نماید برای استفاده از این کتاب می‌توان به روش زیر عمل نمود.

۱. انتخاب موضوع؛

۲. شناخت واژه‌های معادل با ثلاثی مجرد آنها؛

۳. یافتن واژه‌های معادل و مترادف در معجم‌المفهرس لالفاظ نهج البلاغه و توجه به کاربردی‌های مختلف و متضاد آن، با مطالعه موارد موجود در نهج البلاغه برای نتیجه‌گیری کامل موضوع؛

۴. سازماندهی مباحث به دست آمده پیرامون موضوع مورد نظر جهت تدوین مطلب؛

۵. نتیجه‌گیری.

به عنوان نمونه کودک و تربیت او از دیدگاه نهج البلاغه را مورد بررسی قرار

می‌دهیم:

۱. موضوع کودک و تربیت او از دیدگاه نهج البلاغه

۲. شناخت واژه‌های معادل: اِئِن، اِئِنکَ اِبْنَه، بَنون، بنین، الابناء:

الطفل - طفلاً، اطفال...

الصَّغِيرُ

الْحَدَثُ

الْوَالِدُ، أَوْلَادُهُ، وَوَلَدًا

ذَكَرٌ، ذُكُورٌ

الصَّبِيُّ، الصَّبِيَّانُ، صَبِيَّانُهُ

أَيْتَامٌ (دستی، بی‌تا، ص ۲۲ و ۲۳)

۳. یافتن واژه‌های معادل در معجم نهج البلاغه:

الف) اِئِن، اِئِنی، اِئِنکَ، اِئِنه، بَنو، بَنین، الأبناء، بَناتُ (۱۳۴ مورد) باب الباء (بَ نَ وَ)

ب) اَلطُّفْلُ، طِفْلاً، و اَطْفَالٌ (۴ مورد) باب الطاء (طَ فَ لَ)

ج) اَلصَّغِيرُ، صَغِيرًا (۱۰ مورد) باب الصاد (صَ غَ رَ)

د) اَلْحَدَثُ (۱ مورد) باب الحاء (حَ دَ ثَ)

ه) اَلْوَالِدُ، أَوْلَادُهُ، وَوَلَدًا، وَوَلَدِهِ (۵۷ مورد) باب الواو (وَلَ دَ)

و) اَلذَّكَرُ، ذُكُورٌ (۲ مورد) باب الذال (ذَ كَ رَ)

ز) اَلصَّبِيُّ، اَلصَّبِيَّانُ، صَبِيَّانُهُ (۳ مورد) باب الصاد (صَبَ يَ یَ)

ح) اَيْتَامٌ، اَلْیَتَمُ، اَلْیَتَامِی، اَيْتَامِهِمْ (۴ مورد) باب الیاء (یَ تَ مَ)

۴. مطالعه و ارزیابی موارد به دست آمده در نهج البلاغه مانند:

در این مطالعه و ارزیابی، استخراج جوانب گوناگون موضوع انتخابی، مورد توجه

ماست مانند:

اول - کودک و تربیت کودک؛

دوم - حقوق کودک؛

سوم - وظیفه پدران نسبت به کودکان؛

چهارم - آموزش کودک؛

پنجم - شناخت ایام تعلیم و تربیت کودک؛

ششم - وظیفه رهبری نسبت به کودکان بی سرپرست جامعه؛

هفتم - مسئولیت نام‌گذاری کودک.

آنهایی که مانند فرهنگ آفتاب و فرهنگ نامه موضوعی موضوعات نهج البلاغه را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند، کمک موثری به کار پژوهش و تحقیق می‌نمایند و مورد توجه پژوهشگران می‌باشد که قبلاً چگونگی استفاده از آن شرح داده شد.

۶. شروع نهج البلاغه

وقتی شریف رضی نهج البلاغه را گردآوری کرد، اندیشمندان اسلامی در شرح و بسط سخنان مولی‌الموحدين همت گماشتند و با توضیح و تبیین خود قدرت تفهیم جامعه را برای درک سخنان آن حضرت توسعه دادند و از نهج البلاغه دایره‌المعارفی در علوم اسلامی ساختند که خوانندگان را در همه اعصار و قرون فایده رساند.

لازم به ذکر است «سنت شرح نویسی بر متون دینی قدمتی طولانی دارد. کتاب‌های مقدس ادیان مختلف را عالمان دینی با دقت و تأمل و به گونه‌ای دقیق و موشکافانه بررسی کرده‌اند. در تاریخ اسلام، پس از قرآن کریم، که اصیل‌ترین منبع دینی مسلمانان به‌شمار می‌رود، تقریباً هیچ کتاب مقدس دیگری را بسان نهج البلاغه به شرح و تفسیر ننهاده‌اند.» (رشاد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹)

شروع نهج البلاغه عبارت است از توضیحاتی که دانشمندان اسلامی برای روشننگری جملات و سخنان امیر سخن علی علیه السلام با استفاده از منابع مختلف تاریخی، اجتماعی،

عرفانی، فلسفی، سیاسی، اعتقادی و... به رشته تحریر در آورده‌اند. به همین خاطر شرح‌ها غالباً یک یا چند بعد از ابعاد نهج‌البلاغه را شامل است و در بر گیرنده تمام جوانب و محتوای آن نیست به عنوان نمونه در شرح ابن‌الحدید جنبه ادبی و تاریخی آن و در شرح ابن‌میثم جنبه فلسفی کلامی آن بر سایر جنبه‌ها مقدم است.

بر نهج‌البلاغه شروح بسیاری نوشته‌اند که تا ۳۵۰ شرح و ترجمه به زبان‌های مختلف ذکر کرده‌اند. صاحب مصادر نهج‌البلاغه یک صد و یک شرح فارسی و عربی را نام می‌برد و در آغاز آن می‌نگارد که تمام این شروح از محدث نوری در کتاب *مستدرک‌الوسائل*، *محسن‌الامین در اعیان‌الشیعه* و علامه امینی در *الغدیر* و... نقل شده است.

او از شرح علامه علی بن ناصر، معاصر سید رضی آغاز و به شرح سیدمحمدکاظم موسوی قزوینی خاتمه می‌دهد.

بدیهی است این شروح اکثر شرح‌ها را در بر می‌گیرد اما شمارش آن کامل نیست و شروح اخیر مانند شرح علامه شیخ محمدتقی جعفری یا شرح فشرده سه جلدی زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی به فارسی یا شرح نهج‌البلاغه سیدعباس علی الموسوی و شرح علی محمدعلی دخیل و بهج‌الصباغه علامه شوشتری و... به عربی را شامل نمی‌شود.

برخی شارحین نهج‌البلاغه از اشتهاار ویژه‌ای برخوردارند که به عنوان نمونه می‌توان در عربی به شرح نهج‌البلاغه ابن‌الحدید معتزلی حنفی^۱ و شرح علی بن میثم بحرانی شیعی و شرح منهج‌البراعه قطب راوندی اشاره نمود.

به فارسی شرح نهج‌البلاغه ملافتح‌الله کاشانی و شرح نهج‌البلاغه محمدتقی جعفری و شرح نهج‌البلاغه سیدعلی نقی فیض‌الاسلام اشتهاار بیشتری دارند. سیدهبه‌الدین شهرستانی در کتاب پیرامون نهج‌البلاغه اولین شارح نهج‌البلاغه را ابوالحسن بیهقی می‌داند. اما دکتر مصطفوی در کتاب *رابطه نهج‌البلاغه با قرآن* اولین شارح را علی بن ناصر

۱. علامه مرتضی عسکری او را شافعی می‌داند. (بنگرید به: عسکری، ۱۳۷۳، ج ۱ ص ۵۱۵ و ۵۲۸)

معاصر سیدشریف رضی می‌خواند که کتاب او به نام *اعلام نهج البلاغه* موسوم است. (مصطفوی، ۱۳۷۶، ص ۳۹)

نویسنده شارحان نهج البلاغه می‌نویسد:

اولین شرح، توضیحاتی است که توسط جمع‌کننده نهج البلاغه شریف رضی نوشته شده و پس از آن شرح سیدمرتضی علم‌الهدی است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۴، ص ۲۷۸)

شاید این نکته که شهرستانی می‌گوید و ابوالحسن علی بن زید بیهقی انصاری (۵۶۵) — ۴۹۳ ق) او را اولین شارح نهج البلاغه می‌داند، از جهتی صحیح باشد؛ زیرا او اولین کسی است که تمام نهج البلاغه را شرح کرده است و نسخه کامل شرح او به نام معارج نهج البلاغه موجود بوده و به ما نیز رسیده است. اما اگر مقصود شرح قسمتی از نهج البلاغه باشد سخن دکتر مصطفوی صحیح خواهد بود. ضمناً صاحب مقاله شارحان نهج البلاغه با توضیحات کامل انتصاب اولین شرح به علی بن ناصر را مردود می‌داند. (پیشین، ص ۲۸۱ و ۲۸۲)

نویسنده شرح‌های نهج البلاغه اولین و کهن‌ترین شرح‌ها را شرح سید فضل‌الله راوندی از بزرگان ادب شیعی در سده ششم هجری می‌داند که تاکنون به چاپ نرسیده است؛ اما وی اظهار داشته که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نسخه‌ای از آن وجود دارد. این شرح بیشتر به توضیح لغات بسنده کرده است.

شرح نهج البلاغه ویری^۱ که به شرح مشکلات نهج البلاغه پرداخته، شرح دیگر سده ششم هجری است. معارج نهج البلاغه را که نخستین شرح جامع بر نهج البلاغه به حساب می‌آید، ابن فندق^۲ نگاشته است. علاوه بر معارج، منهاج البراعه قطب راوندی نیز از شروخی است که در قرن ششم هجری بر نهج البلاغه نگاشته شده است. با گذر از *حدائق الحقایق*

۱. احمد بن محمد ویری خوارزمی از فضلاء قرن ششم هجری است.

۲. ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن حاکم بیهقی ملقب به ابن فندق متوفای (۵۶۵ ق) معارج توسط کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی چاپ شده است.

قطب‌الدین کیدوری نیشابوری که در اواخر ۵۷۶ قمری به پایان برده است به قرن هفتم می‌رسیم که مهم‌ترین شرح بر نهج‌البلاغه توسط ابن ابی‌الحدید نگاشته می‌شود. (رشاد و دیگران، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۲۳ - ۱۲۰)

شروع نهج‌البلاغه اعم از فارسی و عربی به چند دسته تقسیم می‌شوند:

شروع فارسی: این شروع که بیشتر جنبه ترجمه و توضیح مختصر دارد به دو دسته

تقسیم می‌شود:

الف) شروع مزجی که متن کلام امام به همراه ترجمه و توضیح به صورت امتزاج و مخلوط آمده و کلام امام علیه السلام را با قلمی دیگر یا رنگی متفاوت نوشته و توضیحات را ابتدا به صورت ترجمه سپس به نحو تفسیر آورده‌اند و غالباً توضیحات اضافه بر ترجمه میان دو قوس (پرانتز) قرار دارد. مانند شرح ملاصالح قزوینی و ترجمه و شرح ملافتح‌الله کاشانی.

ب) شروع مجزا که ابتدا متن کلام امام علیه السلام نوشته سپس به ترجمه و توضیح آن پرداخته شده است. در بعضی خطبه‌ها و نامه‌ها که مفصل بوده به چند قسمت تقسیم شده و در هر قسمت پس از نگارش متن عربی به ترجمه و توضیح آن مبادرت شده است و در مواردی که کلام امام علیه السلام طولانی نبوده ابتدا متن عربی و سپس ترجمه و توضیح آورده شده است. مانند شرح سید علی‌نقی فیض الاسلام و شرح فشرده‌ای بر نهج‌البلاغه امامی و آشتیانی.

تفاوتی که در این دو نوع شرح وجود دارد، این است که در شرح فشرده ترجمه و توضیحات سه بخشی است. ترجمه بخش اول، توضیحات سخنان، اسناد و... بخش دوم و لغات بخش سوم نهج‌البلاغه را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از شروع مفصل فارسی که تا ۲۶ جلد به چاپ رسیده شرح نهج‌البلاغه علامه محمدتقی جعفری تبریزی است. اخیراً شرحی را آیت‌الله ناصر مکارم و جمعی از فضلا و دانشمندان به نام *پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه* و به همت انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران در حال تهیه دارند که تاکنون هشت جلد آن از چاپ خارج شده است.

شروح عربی: این شروح که بیشتر جنبه توضیح و تفسیر دارد به دو دسته مختصر و مفصل تقسیم می‌شود.

بعضی شرح‌ها بیشتر به توضیح لغوی یا نکات ادبی پرداخته و از توضیحات مسائل اجتماعی - تاریخی - اعتقادی و... خودداری نموده یا به نحو اجمال که قابل اعتنا نیست بسنده کرده است. مانند شرح شیخ محمد عبده که اخیراً در یک جلد تجدید چاپ شده است. بعضی شرح‌ها طوری است که غالب ابعاد نهج البلاغه یا چندین بعد از آن را شامل است مانند شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی حنفی در ۲۰ جلد و شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی در ۵ جلد. اخیراً شرح نهج البلاغه ابن میثم را مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و ابعاد تاریخی شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید را دکتر مهدوی دامغانی به فارسی برگردانده‌اند. پس از ذکر این مقدمه از میان شروح مختلف چند شرح فارسی و عربی را توضیح می‌دهیم.

الف) شروح نهج البلاغه فارسی

ترجمه و شرح نهج البلاغه ملافتح‌الله کاشانی (م. ۹۸۸ ق)

مصحح کتاب تنبیه الغافلین و تذکره العارفین (شرح نهج البلاغه ملافتح‌الله کاشانی) پیرامون شیوه کار ملافتح‌الله می‌نویسد:

ابتدا جمله یا جزئی از جمله متن نهج البلاغه را نقل کرده، سپس به ترجمه دقیق آن پرداخته، آنگاه چنانکه لازم بوده باشد، به قدر ضرورت توضیح داده است.

این توضیحات اکثراً جنبه ادبی دارد ولی گاهی جنبه تاریخی و یا روایی پیدا می‌کند... شرح شارح عمدتاً متخذ از شرح «ابن میثم بحرانی» است و خود به آن تصریح می‌نماید... حق آن است که این کتاب را تلخیص و ترجمه‌ای از شرح ابن میثم به حساب آوریم.

کتاب *تنبيه الغافلین* را در سال ۱۳۶۴ انتشارات میقات در سه جلد تصحیح و چاپ کرده است.

ترجمه و شرح نهج البلاغه: حاج سیدعلی نقی فیض الاسلام مشهور به نهج البلاغه فیض (۱۲۸۴ - ۱۳۶۴ ش)

این شرح از شروعی است که به کرات در ایران به صور مختلف تک جلدی و دو جلدی و شش جلدی به چاپ رسیده است.

این کتاب که متجاوز از ۵۰ سال قبل ترجمه و به اختصار شرح شده در زمان خویش بسیار روان و درحال حاضر یکی از بهترین شرح است. شارح در پایان می نویسد:

«از ده سال پیش نگارنده تمام اوقات شبانه روزی خود را برای تدوین ترجمه و شرح نهج البلاغه به کار بردم و کتاب مختصر و مفید حاضر را پس از مراجعه به تمام شروح عربی و فارسی مانند شرح ابن میثم و ابن ابی الحدید و خوبی و کاشانی و لاهیجانی و قزوینی و دیگر شروح و کتاب های مشهور... آماده ساخته و هیچ تصرفی در اصل و ترجمه عین عبارت عربی نشده است...» (فیض الاسلام، ۱۳۲۶)

نحوه کار در شرح نهج البلاغه فیض الاسلام که به خط طاهر خوشنویس تبریزی نوشته شده، چنین است که ابتدا جملات امام علیه السلام را ترجمه نموده و در مواردی که توضیح لازم داشته، توضیح آن را در بین دو قلاب () قرار داده و همین طور که خود اشاره نموده، توضیحات را از شرح های معتبر عربی فارسی برگرفته است و خوب از عهده این مهم برآمده است. دکتر شهیدی می نویسد: «ترجمه فیض الاسلام بیشتر بر پایه متن فراهم آورده ابن ابی الحدید است.» (شهیدی، ۱۳۷۰)

مرحوم مصطفوی بر شرح فیض دو ایراد کوچک وارد کرده، می نویسد صرف نظر از این اشکالات کوچک و ناچیز انصافاً فردی پخته و دانشمند است و اثر بسیار مفیدی برجای گذاشته است. (مصطفوی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱ و ۱۴۲)

شرح نهج البلاغه علامه محمدتقی جعفری تیریزی (۱۳۷۷ - ۱۳۰۴)

شرح نهج البلاغه علامه جعفری که تاکنون دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۲۷ جلد آن را منتشر کرده است مفصل‌ترین شرح فارسی بر نهج البلاغه است. که به دلیل عدم وفاداری عمر نویسنده ناتمام مانده است.

نحوه کار نویسنده چنین است که نهج البلاغه دکتر صبحی‌الصالح را نسخه متن قرار داده، ابتدا متن خطبه را نوشته و ترجمه نموده پس از آن به توضیح مطالب پرداخته و از کتب قدما و متأخرین اعم از مسلمانان یا غیرمسلمان مطالب را آورده و در موارد مختلف از آیات قرآنی، اشعار عرفانی و سخنان برهانی بهره برده است و از دیدگاه فلسفی و کلامی به بررسی موضوعات پرداخته است. در پایان هر جلد فهرست‌های مختلف مطالب آیات، روایات، اشخاص، اماکن و... در قالب فهرست نویسی جدید تدوین شده است.

همان‌طور که در آغاز بیان شد این شرح تمام نهج البلاغه را شامل نمی‌شود و تنها ۲۷ جلد به چاپ رسیده است.

ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه - نوشته محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی.

این شرح از ترجمه و شروح ساده و روانی است که زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در سه جلد تهیه و منتشر شده است.

از ویژگی‌های این ترجمه و شرح چنانکه در مقدمه جلد اول نگارش یافته، روان بودن و دوری از تعقید و پیچیدگی است. نحوه ترجمه نه کلمه به کلمه است و نه کاملاً آزادانه. هر جلد مشتمل بر دو بخش است. در بخش اول به ترجمه سخنان امام علیه السلام اکتفا شده و در بخش دوم پاسخگویی به برخی پرسش‌ها و توضیح نکات مختلف ادبی، تاریخی، فلسفی و کلامی مبادرت گردیده است و مواردی که توضیح داده شده با ستاره در متن خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها مشخص گردیده است. شرح نهج البلاغه مذکور براساس نهج البلاغه دکتر صبحی‌الصالح است.

به همین دلیل واژه‌های مشکل نیز با شماره معین، و در پایان ترجمه شده‌اند. توضیح لغات مشکل، بخش سوم کتاب را به خود اختصاص داده که مدارک نهج‌البلاغه نیز قسمتی از آن بخش است.

غالب توضیحات داده شده در کتاب براساس مطالب پیشگفتار، از کتاب شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید استفاده شده است.

این شرح به دلیل روان بودن تاکنون مکرر به چاپ رسیده است. صاحب پرتوی از نهج‌البلاغه ترجمه و شرح نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام و ترجمه و شرح فشرده‌ای بر نهج‌البلاغه را اقتباسی از شرح ملاصالح قزوینی می‌داند. (مصطفوی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰)

ب) شروح نهج‌البلاغه به عربی

۱. شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید معتزلی (۶۵۵ - ۵۸۶ ق)

عبدالحمید ملقب به عزالدین مکنی به ابوحامد پدرش ابوالحسن هبه‌الله نام داشت و ابوالحدید کنیه جد سوم اوست.

ابن ابی‌الحدید سال ۵۸۶ هجری در مداین پایتخت ساسانیان دیده به جهان گشود سپس به بغداد رفت و از نزدیکان ابن‌العلقی شیعی وزیر مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی که مردی ادیب و دانشمند بود، شد.

این وزیر کریم‌النفس از ابن ابی‌الحدید درخواست شرح نهج‌البلاغه می‌نمود و عزالدین در بهترین مقطع سنی یعنی پنجاه و هشت سالگی شرح را آغاز کرده و به مدت چهار سال و هشت ماه به اندازه زمان خلافت امیرالمومنین ع کار کرد و شرح مذکور را - که مشروح‌ترین و جامع‌ترین شرح بر نهج‌البلاغه است - نگاشت و برادرش موفق‌الدین آن را برای ابن‌العلقی فرستاد. پایان کار شرح نهج‌البلاغه با سپری شدن شصت و سومین سال حیات ابن ابی‌الحدید توأم است.

این شرح از موفق‌ترین شروح بر نهج‌البلاغه است. مباحث ادبی - اعتقادی - کلامی - تاریخی و... را به نحو مطلوبی داراست. این کتاب به طور مکرر در ایران - مصر و بیروت به چاپ رسیده است. چاپ مصری آن در چهار جلد قطور و شرح ایران و بیروت ۲۰ جلد در ۱۰ مجلد گردآوری شده و محمد ابوالفضل ابراهیم آن را تحقیق و بررسی کرد. برخی از نویسندگان معتقدند که شرح نهج‌البلاغه مذکور در عصر صفویه به وسیله شمس‌الدین محمد بن مراد و در عهد ناصری نیز به فارسی ترجمه شده اما به چاپ نرسیده است. (رشاد و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۲۴) نویسنده فرهنگ بزرگان اسلام و ایران می‌نگارد که فخرالدین عبدالله زیدی تلخیصی تحت عنوان *العقد الندید المستخرج من شرح ابن ابی‌الحدید* از آن فراهم آورده که به فارسی ترجمه شده است. (تفضلی و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۲۶۵) مطالب تاریخی شرح ابن‌ابی‌الحدید بر نهج‌البلاغه را دکتر مهدوی دامغانی در ۶ جلد ترجمه و تحت عنوان *جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه* و با همت نشر نی به چاپ رسانده است.

نحوه کار ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه

بنا به گفته محقق در مقدمه، او ابتدا به شرح مشکلات لغوی و بیان معانی پرداخته، سپس روش خویش را تغییر داده و علاوه بر مباحث لغوی و معانی و بیان و توضیح مشکلات صرفی و نحوی در هر مورد شواهد دیگری از نظم و نثر که مؤید آن باشد آورده و کارها و وقایع تاریخی هر فصل را شرح داده و به مباحث کلامی نیز اشاراتی نموده است و با آوردن انساب و امثال و لطایف و مواعظ و اشعار مختلف پیرامون زهد و حکمت‌های گران‌بها و آداب و عادات و... به غنای شرح افزوده است.

توضیح مسائل فقهی، بررسی اخبار غیبی، بررسی اشارات و رموزی که مولا علیه‌السلام در گفتار خود گنجانده است، از دیگر کارهای اوست.

نویسنده *جلوه تاریخ در شرح نهج‌البلاغه* می‌نویسد:

چنین تصور می‌کنم که سه جنبه بر دیگر جنبه‌های این کتاب برتری دارد که عبارت است از جنبه ادبی به معنی اعم آن، جنبه تاریخی و اجتماعی و جنبه کلامی... مطالبی که درباره اوضاع و احوال اجتماعی و امور تاریخی نیمه اول هجری نوشته است، تقریباً نیمی از کتاب را در بر گرفته است... مباحث تاریخی ضمن شرح خطبه‌ها و نامه‌ها آمده است و در بخش کلمات حکمت‌بار امیرالمؤمنین علیه السلام و هزار کلمه دیگری که ابن ابی‌الحدید برگزیده و ضمیمه کرده است کمتر بحث تاریخی طرح شده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۴، ص ۲۴۶)

ایرادهای علامه شوشتی بر شرح ابن ابی‌الحدید

از دیرباز تاکنون بر شرح ابن ابی‌الحدید اشکال‌ها و نقدهایی نگارش یافته که می‌توان از کتاب *الروح فی نقض ما ابرمه ابن ابی‌الحدید* نوشته احمد بن طاووس متوفای ۶۷۳ هجری و *سلاسل الحدید لتقید ابن ابی‌الحدید* به قلم شیخ یوسف بحرانی (م. ۱۱۸۶ ق) و *سلاسل الحدید فی رد ابن ابی‌الحدید* از مصطفی بن امین (م. ۱۳۳۱ ق) و چند اثر دیگر نام برد. (بنگرید به: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۲۵)

در مقدمه بهج‌الصباغه، به شرح ابن ابی‌الحدید ایرادهای کلی می‌گیرد و می‌نویسد شرح ابن ابی‌الحدید، شرحی تاریخی، ادبی شمرده شده، اما دارای معایبی است که در بعضی موارد در بیان مسائل تاریخی افراط کرده است طوری که تصور می‌شود که آن چه بیان کرده مستقلاً مسائل صرف تاریخی است، در حالی که شایسته بود به اندازه مناسب عنوان مطلب، اکتفا می‌کرد و در بعضی موارد مطالب تاریخی را نقل نکرده است. همین افراط و تفریط در مسائل ادبی نیز به چشم می‌خورد بلکه در مواردی مسائلی را نقل کرده که به هیچ وجه ربطی به مطلب ندارد. به عنوان نمونه در موقع بحث از اخبار خوارج «کَلَّا و اللهُ انهم نطف...» و گاهی از بیان چیزی در جای خودش غفلت کرده و در غیر محل خویش آن را ذکر نموده، مثلاً در اول فصل الجمل در سخن آن حضرت که می‌فرماید: «رَبَّ عَالَمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ...» به علاوه او دچار توهمات زیادی شده مثلاً خطبه ۳۹ که امام علیه السلام در رابطه

با کشته شدن محمد بن ابی بکر فرموده، ابن ابی الحدید در جریان غارت نعمان بن بشیر آورده است. (شوشتری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۵) و موارد دیگری را نیز صاحب بهج الصباغه با ذکر شماره خطبه و نامه آورده‌اند که به خاطر اطاله کلام صرف نظر گردید. نام برده در نهایت می‌نگارد: او اگرچه در شرح مسائل نیکو و امور بااهمیت را زیاد نقل کرده اما غالباً رعایت مناسبت را نکرده است.

۲. شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی (م. ۶۷۹ ق)

کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی دانشمند، فقیه و فیلسوف بزرگ شیعی متوفی ۶۷۹ هجری اهل بحرین و دوست و معاصر خواجه نصیرالدین طوسی بوده است. می‌گویند ابن میثم در فقه استاد خواجه و خواجه در فلسفه استاد ابن میثم بوده و خواجه به تبحر او در کلام و حکمت اذعان دارد و صدرالدین شیرازی در حواشی شرح تجرید و به‌ویژه در مباحث جواهر و اعراض از تحقیقات عالی او استفاده نموده است.

بهترین معرف او شرح نهج البلاغه اوست که یکی از علمای معاصر وی درباره آن می‌گوید: «شایسته است که با نور روی حدقه‌ها نوشته شود نه با مرکب روی ورقه‌ها» ابن میثم بر نهج البلاغه دو شرح به نام شرح نهج البلاغه کبیر و صغیر داشته است که هر دو بنا به درخواست عطا ملک جوینی نگارش می‌یابد. شرح نهج البلاغه ابن میثم سابقاً در یک جلد با چاپ سنگی و به زبان عربی چاپ شده و اخیراً به تصحیح عده‌ای از فضلا وسیله دفتر نشر کتاب موسسه النصر از روی نسخه مصر در پنج جلد تجدید چاپ گردیده است و در پایان جلد پنجم در خطبه انتهایی کتاب مصنف سال اتمام شرح نهج البلاغه را ۶۷۷ هجری ذکر می‌کند که دو سال قبل از وفات ابن فاضل بزرگ و فقیه و محدث و فیلسوف متکلم بوده است. شرح نهج البلاغه ابن میثم در دهه اخیر به همت بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به فارسی روان ترجمه شده و در پنج مجلد به چاپ رسیده است.

مترجمین این اثر مهم به ترتیب عبارتند از:

۱. قربانعلی محمدی مقدم و علی اصغر نوائی یحیی زاده، ج ۱؛
۲. قربانعلی محمدی مقدم، ج ۲؛
۳. سید محمد صادق عارف، ج ۳؛
۴. حبیب روحانی، ج ۴؛
۵. محمدرضا عطائی، ج ۵.

نحوه کار ابن میثم در شرح نهج البلاغه

همین طور که گفته شد، شرح ابن میثم بیشتر جنبه فلسفی و کلامی دارد و از جنبه‌های تاریخی، روایی کمتر بحث می‌کند. او ابتدا متن کلام امام را می‌نگارد و سپس وارد شرح می‌شود و بحث لغوی را آغاز نموده و توضیح می‌دهد و در جای جای شرح از آیات قرآن بهره می‌برد و نظر فلاسفه و متکلمین را پیرامون مسائل فلسفه و کلام به شرح می‌کشد.

مترجم در مقدمه جلد اول پیرامون ویژگی‌های شرح می‌نگارد:

«۱. ابن میثم در آغاز بر سبک بیهقی و کیدری بحث الفاظ را برای آمادگی ذهن خوانندگان به طور مبسوطی آورده آنگاه به شرح خطبه‌ها و نامه‌ها و دیگر گفتار امام علیه السلام پرداخته است...»

بحث الفاظ به عنوان مقدمه شارح در آغاز کتاب آمده است.

۲. شارح کوشش کرده تا آنجا که ممکن است، علت و مناسبت ایراد خطبه و کلام امام علیه السلام را ذکر کند و توضیح دهد که چه وقت، در کجا و به چه مناسبتی این سخن از امام علیه السلام صدور یافته است.

۳. سعی بلیغ ابن میثم در شرح بیانات امام علیه السلام مطابقه بیان آن حضرت با آیات قرآنی است؛ زیرا بیان امام جلوه از کلام خدا و پرتوی از گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله است. به همین دلیل در این شرح از آیات فراوانی استفاده شده است.

ضمناً شارح از توضیحات قواعد صرف و نحو و معانی و بیان در جای خودش دریغ نکرده است. (بحرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱)

ایرادات علامه شوشتري بر شرح ابن میثم

علامه شوشتري بر شرح ابن میثم ایراد گرفته و می‌نگارد:

روش ابن میثم روش فلاسفه است.^۱ او مرتکب تأویلات ناصحیح زیادی شده است. موارد زیادی در فهم مراد امام علیه السلام به خطا رفته است. اطلاع اندک او در تاریخ، وی را به خطا در مسائل تاریخی واداشته است. «صاحب بهج الصباغه برای هر یک از موارد بالا دلائلی را از شرح ابن میثم ارائه نموده است. (شوشتري، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶)

۳. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه سیدحبیب‌الله خوئی (۱۳۲۴ - ۱۲۶۱ ق)

ادیب علامه سیدحبیب‌الله فرزند سیدمحمد هاشمی ملقب به امیرالرعایا و معروف به خوئی صاحب منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه است که در سال ۱۲۶۱ هجری در شهر خوی از شهرهای آذربایجان متولد شده و برای ادامه تحصیل به عتبات عالیات رفته است. وی منهاج را در ۷ مجلد و به خط خویش نگاشته و از خطبه ۲۱۸ نهج البلاغه فراتر نمی‌رود که عمرش وفا نمی‌کند و به دیار باقی می‌شتابد. کار نامبرده وسیله دو تن از علمای بزرگ به نام علامه حسن حسن‌زاده آملی و علامه محمدباقر کوه کمره‌ای به اتمام می‌رسد. اخیراً منهاج البراعه را در ۲۱ جلد مکتبه‌الاسلامیه در تهران به چاپ رسانده که جلد ۱ تا ۱۴ آن را علامه خوئی، جلد ۱۵ تا ۱۹ را علامه حسن‌زاده آملی و ۲۰ و ۲۱ را علامه کوه‌کمره‌ای تألیف کرده‌اند.

مرحوم خوئی در ۱۳۳۴ هجری در تهران وفات و در جوار حضرت عبدالعظیم مدفون گردیده است.

۱. این نکته نمی‌تواند به عنوان ضعف و ایراد مطرح شود.

نحوه کار علامه خوئی در شرح نهج البلاغه

براساس آنچه که مؤلف در جلد اول شرح نهج البلاغه توضیح داده و از محتوای مجلدات هم برمی‌آید، نحوه کار منهج‌البراعه چنین است که پس از نگارش فقراتی از نهج‌البلاغه به بحث و توضیح لغوی واژه‌ها پرداخته و از کتب مختلف شاهد مثال آورده و توضیحاتی ارائه می‌نماید. سپس نکات نحوی و اعرابی را توضیح می‌دهد و سپس به توضیح و تشریح و تفسیر مطالب امام علیه السلام مبادرت می‌نماید و در پایان هر قسمت، ترجمه جملات امام علیه السلام را به فارسی - که گاهی توأم با چند بیت شعر است - می‌نگارد.

ناگفته نماند که صاحب منهج‌البراعه در جای جای شرح خویش کلام شارح معتزلی را به نقد کشیده و توضیحاتی ارائه داده است. در پایان دیباچه دو بیت زیبایی زیر را آورده که:

أهدت سليمانَ يومَ العرضِ نَمْلَتَهُ رَجُلَ الجرادِ التي قد كان في فيها
تَرَنَّمْتُ بِفَصِيحِ القَوْلِ واغْتذرتُ انَّ الهدايا يا على مقدارِ مُهدِيا

ران ملخی که مورچه در دهان داشت به سلیمان اهدا کرد و با گفتار شیوا و روان،
پوزش خواست و مترنم شد که «هدایا به ارزش هدیه آورنده است».

شاید این دو بیت فارسی ترجمه آن دو بیت عربی باشد که می‌گوید:

نزد سلیمان رسید مرغک مسکین ران ملخ در دهان به پیشکش دوست
از پی عذر قصور خدمت خود گفت هدیه هر کس به قدر منزلت اوست

علامه شوشتری پیرامون منهج‌البراعه می‌نویسد:

آن چیزی غیر از یک دسته اخبار ضعیف نیست که از طریق ما وارد شده و برای
غیر ما نیز حجت نمی‌باشد، به علاوه اطلاع او از تاریخ اندک است و در موارد
متعدد از خطاهای ابن‌میثم تبعیت کرده است. (شوشتری، ۱۳۷۸، ج ۱،
ص ۲۶)

۴. بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه

علامه حاج شیخ محمدتقی شوشتری (۱۳۷۴ - ۱۲۸۱)

علامه شوشتری یکی از مفاخر شیعه در عصر جدید است. وی در ۱۲۸۱ شمسی در نجف اشرف متولد شد و پس از سپری نمودن مقدمات به شوشتر بازگشت. در ۱۳۱۴ شمسی به دلیل فشار نظام پهلوی به عتبات عالیات کوچ نمود و در ۱۳۲۳ شمسی مجدداً به شوشتر مراجعت کرد و تا آخر عمر پربرکتش به تحقیق و پژوهش اشتغال داشت. وی در ۱۳۷۴ بدرود حیات گفت.

این کتاب یکی از بهترین شروح معاصر بر نهج البلاغه است که علامه شوشتری بر مبنای موضوع بندی با عناوین نهج البلاغه به رشته تحریر درآورده است. ایشان تمام نهج البلاغه را به ۶۰ موضوع و هر موضوع را به چند عنوان (حداقل عناوین ۳ و حداکثر ۱۰۴) تقسیم نموده است.

به عنوان نمونه موضوع اول از توحید آغاز می‌شود و ۵۳ عنوان پیرامون توحید مورد بررسی قرار می‌گیرد و آخرین موضوع تحت عنوان موضوعات مختلف ۱۰۴ عنوان را به خود اختصاص داده است.

این کتاب را انتشارات امیرکبیر در ۱۴ جلد به قطع وزیری و در سال ۱۳۷۶ شمسی به چاپ رسانده است. «شاخص‌های عمده کتاب عبارت‌اند از: تفسیر موضوعی و تبیین مفاهیم، انتقادی بودن نسبت به پاره‌ای مؤلفان (اعم از سید رضی، ابن ابی‌الحدید، تاریخ طبری، شرح‌های پیشین نهج البلاغه، ارباب لغت، اهل تصوف و عرفان) مقابله نسخه‌ها و تبیین متن. در جلد اول، مؤلف در مقدمه خود بر شیوه تألیف دیگر شارحان نهج البلاغه از جمله شرح ابن ابی‌الحدید، شرح ابن میثم و شرح حاج میرزا حبیب‌الله خویی اشکالات اساسی وارد کرده و تصریح کرده است که: «من در کتاب هرچه از دیگران نقل می‌کنم صاحب مطلب را نیز نام برده‌ام و مطلب کسی را به نام خودم نقل نمی‌کنم ولیکن هر مطلبی را که مستند به دیگران نکرده‌ام، از خودم می‌باشد.»

مؤلف در همین جلد پس از تبیین مستندات مربوط به اصالت نهج البلاغه و شرح شخصیت سید رضی، به امیرمؤمنان و جایگاه عظیم ایشان در بیان معارف الهی آن هم در نهایت بلاغت پرداخته است.

سپس شروح موضوعی خود را آغاز می‌کند. فصول اول تا چهارم کتاب به توحید، خلقت آسمان و زمین، عرش و خلق ملائک می‌پردازد و تا جلد دوم نیز ادامه می‌یابد. فصول پنجم تا هشتم که تا بخشی از جلد ۵ را شامل می‌شود در زمینه نبوت عامه و خاصه، امامت عامه و خاصه، اخبار ملاحم و فتن است و آنچه در زمان‌های بعدی اتفاق می‌افتد. در فصل نهم جای گرفته و علم و مکارم اخلاقی و تفسیر قرآن و پاسخ‌گویی امیرمؤمنان و زهد و عدل و تواضع آن بزرگوار، فصول دهم تا پانزدهم را شامل می‌شود که تا پایان مجلد ششم را در بر می‌گیرد.

شرح دعا‌های مأثور از امام علیه السلام و توضیحات ایشان راجع به عجایب خلقت و تأثیرات مثبت و منفی علوم و آن چه مؤمنین را به مصالح واقعی هدایت می‌کند و همچنین مبانی حب و بغض در ایشان و شجاعت آن بزرگوار و شرح صفات دوستان و دشمنان در جلد هفتم آمده است.

جلد هشتم شرح نظارت ایشان بر کارگزارانش، چگونگی تربیت اطرافیانش و شکایت از دوران خود و نواقص مردم و اختلافات و صفات پست آنان را در برمی‌گیرد. در جلد نهم موضوعاتی از قبیل دین و دنیا آن چه متعلق به عصر عثمان و عمر و بیعت آن بزرگوار است، به شرح و بحث گذارده شده است.

جلد یازدهم به تشریح شهادت و وصایت آن بزرگوار و چگونگی دفن و مدفن، و جلد دوازدهم به مذمت دنیا و برپایی قیامت و بهشت و دوزخ و آن چه بر بندگان واجب است و تشریح اسلام و کفر و ایمان و نفاق پرداخته است.

جلد سیزدهم به شرح آن چه امام علی علیه السلام درباره قرآن، عبادات، معاملات، خیر و شر، مکارم اخلاق، صفات ناپسند، آداب معاشرت، دوستان صبر و تحمل در شدائد، آداب جنگ،

ذم اهل شام و مدح اهل کوفه فرموده‌اند می‌پردازد.

در جلد چهاردهم به شرح انصار و طوائف عمده عرب، استفاده قربانی، پذیرش و ادبار دنیا، ابلیس و موضوعات مختلف دیگری که امیرمؤمنان علی علیه السلام بر آنها اشارت داشته، پرداخته شده است. (شوشتری، ۱۳۷۸، ص ۴۳ - ۴۱)

از ویژگی‌های برجسته [بهج الصباغه] معرفی نسخه‌های گوناگون نهج البلاغه و اشاره به اشتباه‌ها، تصحیف‌ها، و تحریف‌های مختلف این نسخه‌ها و داوری درباره میزان اعتبار آنهاست. (رشاد و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۱۳۹)

لازم به ذکر است بهج الصباغه با همه محسنات و دقت نظر نویسنده و بازگو نمودن خطاهای شارحان گذشته و اشتباهات تاریخی بعضی از آنها که به راستی کتاب را بی‌نظیر کرده است، از یکی دو نقیصه خالی نیست:

۱. نهج البلاغه کتابی است که از معارف عقلی و فلسفی آکنده و از استدلال‌ها و تعقل مشحون است اما بهج الصباغه بیشتر نقلی و تاریخی است تا عقلی و استدلالی.

۲. براساس موضوع بندی‌هایی که در حال حاضر از نهج البلاغه رایج است، تنوع موضوعات بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از موضوعات شصت گانه و ابتکاری علامه شوشتری است - بعلاوه بنا به نوشته مقاله شرح‌های نهج البلاغه «ترتیب منطقی در میان [موضوعات] به چشم نمی‌آید. (پیشین، ص ۱۴۱)

۷. موضوعات نهج البلاغه

گفته شد که نهج البلاغه را «اخ القرآن» نامیده‌اند که حقیقتاً نام بامسمائی است؛ زیرا از نظر مضامین و معارف کاملاً از قرآن تأثیر پذیرفته است. همان‌طور که تنوع موضوعات قرآنی بسیار است، تنوع موضوعات نهج البلاغه نیز گوناگون و گسترده است. نهج البلاغه همانند قرآن دایره‌المعارف عظیمی است که از موضوعات مادی و معنوی، طبیعت و ماوراء الطبیعه اجتماعی، سیاست، عقیده، خلقت و آفرینش، راه زندگی، وصول به سرمنزل

مقصود، تاریخ و عبرت‌ها تربیت و تعلیم، حکمت و موعظه، مدیریت و حکومت، عدالت و انسانیت و... سخن به میان آورده است.

پرفسور جرداق ابعاد اندیشه و تفکر آن حضرت را چنین ترسیم می‌نماید: «او با منطقی استوار و آگاهانه درباره دگرگونی‌های دنیا و شئون مردم و سرشت افراد و گروه‌ها سخن گفته و گاهی رعدوبرق و آفرینش آسمان و زمین را توصیف کرده است. همچنین به تفصیل در مورد پدیده‌های زنده طبیعت پرداخته، اسرار خلقت خفاش و مورچه و طاووس و ملخ را بیان داشته و در عین حال، برای مردم، فرمان‌های اخلاقی و اجتماعی وضع کرده است. آنگاه از آفرینش و زیبایی وجود سخن به میان آورده است، چنانکه در ادبیات عرب هرگز چنین تنوعی در مباحث مختلف، آن چنان که در نهج‌البلاغه بیان شده، سابقه نداشته است.» (جرداق، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۴۶)

نویسنده در کتاب دیگرش ضمن توجه به تنوع موضوعات از عمق تأثیر کلام آن حضرت سخن گفته و در توصیف نهج‌البلاغه، چنین می‌نویسد: «بیانی است که اگر برای انتقاد سخن گوید، گویی تندباد خروشان است. اگر فساد و مفسدین را تهدید کند، همچون آتش فشان‌های سهمناک و پرغرش زبانه می‌کشد و اگر به استدلال منطقی بپردازد، عقل‌ها و احساسات و ادراکات بشری را مورد توجه قرار می‌دهد و راه هر دلیل و برهانی را می‌بندد و عظمت منطقی و برهان خود را ثابت می‌کند.

اگر برای تفکر و دقت دعوت کند، حس و عقل را در تو همراه می‌سازد و به سوی آنچه که می‌خواهد سوق می‌دهد و تو را با جهان و هستی پیوند می‌دهد و نیروها و قوای تو را متحد می‌گرداند تا حقیقت را کشف کنی! و اگر تو را پند و اندرز دهد، مهر پدر و عاطفه پدری و وفای انسانی و گرمی محبت بی‌انتهای آن خواهی یافت. و اگر برای تو از ارزش هستی و زیبایی‌های خلقت و کمالات جهان هستی سخن گوید، آنها را با مرکبی از نور ستارگان در قلب تو می‌نویسد! بیانی است بلاغت از بلاغت و قرآنی از قرآن! بیانی است که در اسباب و اصول بیان عربی، به آنچه که بوده و خواهد بود، پیوند دارد، تا آنجا

که درباره آن گفته‌اند. «گفتار او از کلام خداوند پایین‌تر و از سخن مخلوق، بالاتر است.» (جرداق، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸)

براساس تعریفی که قبلاً ارائه شد فهرست موضوعی نوعی فرهنگ نامه محسوب گردید.

امروزه نهج البلاغه مانند قرآن به صورت کشف الایات و کشف المطالب تدوین شده تا بهره‌مندی از آن ساده‌تر باشد. هرچند این کار سابقه طولانی ندارد و شاید *الکاشف فی موضوعات نهج البلاغه* نوشته دکتر سیدجواد مصطفوی از نخستین کتاب تدوین شده در این مورد باشد، که براساس آنچه از مقدمه برمی‌آید مؤلف برای تهیه آن رنج بسیار تحمل نموده است.

دکتر صبحی‌الصالح در آخر نهج البلاغه فهرست موضوعی را مشتمل بر ۲۴۵ موضوع تدوین نموده که فصل‌بندی دقیقی برای آن صورت نگرفته است. بعدها آقای علی انصاریان *الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه* را تألیف کرد که در آن نهج البلاغه را به ۷ فصل و ۱۳۲ موضوع تقسیم نموده است. *الهادی الی موضوعات نهج البلاغه* تألیف آیت‌الله مشکینی کتاب دیگری است که نهج البلاغه را به ۲۴۵ موضوع تقسیم کرده است. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس *المعجم الموضوعی لنهج البلاغه* تألیف اویس کریم محمد را که مشتمل بر ۲۲ باب و ۶۷ فصل در ۴۵۰ صفحه است، منتشر کرده است.

در مقدمه‌ای که *مجمع البحوث الاسلامیه* بر آن نگاشته، تفاوت معاجم نهج البلاغه با کتاب سابق‌الذکر را چنین بیان نموده است: «این معجم شامل مطالبی است که خواننده بر دقیق‌ترین مباحث و جزئیات آن در خلال خواندن دست می‌یابد.»

المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه نوشته محمد دشتی و کاظم محمدی - یکی از مفیدترین کتاب‌هایی است که پیرامون الفاظ و موضوعات نهج البلاغه نگارش یافته است و مشتمل بر لغات مشکل، معجم‌الفهرس، مصادر و مراجع و جدول اختلاف نهج البلاغه

می‌باشد. این کتاب را جامعه مدرسین در ۱۴۶۰ صفحه با قطع وزیری چاپ و منتشر کرده است. اما فاقد موضوعات خاص مانند الدلیل یا الیهادی و... است.

معاجم نهج البلاغه و موضوع‌بندی آن

واژه معجم از ماده عَجَمَ به معنی ابهام و اخفا به کار رفته که ضد بیان و ایضاح است. عَجْمَه به معنی لُکنت در زبان به کار رفته، «عَجَماء بهیمه» چهارپایی را گویند که قادر به بیان مکنونات درونی خود نیست. جمله «صلوه النهار عجماء» (نماز ظهر عجماء است) به این خاطر است که نماز ظهر به اخفات برگزار می‌شود. «بابُ معجمُ مقفُلٌ» به معنای در بسته قفل زده است. (بیهقی، ۱۳۷۵)

پس از رفتن این واژه به باب افعال معنای اولیه را معکوس نموده، از ابهام به رفع ابهام و از اخفا به روشن‌گری تغییر معنا داده است. پس واژه معجم به معنی روشن‌گری کردن و رفع ابهام نمودن است.

تاریخچه پیدایش این واژه دقیقاً مشخص نیست. در مقدمه تاج المصادر می‌خوانیم که: «ابن الندیم کتاب معانی العروض علی حروف المعجم را به برزخ بن محمد العروسی نسبت می‌دهد و یاقوت، کتاب الاغانی علی حروف المعجم را به حبش بن موسی الضببی منسوب می‌دارد که آن را برای متوکل (۲۴۷ - ۲۳۲ ق) تألیف کرده است. اگر عناوین کتاب‌ها از نویسندگان یاد شده صحت داشته باشد، اصطلاح معجم از قرن سوم هجری کاربرد داشته است در غیر این صورت به زمان ابن ندیم یعنی اواخر قرن چهارم هجری مربوط می‌شود.»

نکته‌ای که در کتب مختلف موضوعات نهج البلاغه جلب نظر می‌نماید، عدم وحدت مباحث و تعدد عبارات است، به نحوی که کمتر موضوعی است که مثلاً در چندین کتاب (معجم موضوعی) عبارات یکسان داشته باشد. حتی در موضوع بندی‌ها هرچند نکات مشترک فراوانی دارند، وحدت موضوع ندارند. شاید این مشکل به سبب گستردگی محتوای

نهج البلاغه از سویی و عدم سابقه طولانی در موضوعی کردن آن از سوی دیگر باشد.

اویس کریم محمد در مقدمه کتاب خویش می‌نویسد:

فهرستی که ما نوشته‌ایم متجاوز از ۶۰۰ مبحث دارد، اما مباحث الدلیل ۱۳۲، تصنیف ۲۵۵، فهرس العلمیه ۲۴۵ و الهادی با حذف مکررات تقریباً به اندازه فهرس دارای مباحث است.

در عبارات نیز به عنوان نمونه از جهاد و شهادت نام برده و می‌نویسد: «الدلیل دو مبحث در ۵۶ عبارت، تصنیف یک مبحث در ۶ عبارت، هادی دو مبحث در ۱۰ عبارت، فهرس العلمیه دو مبحث در چهار عبارت و فهرست ما ۱۸ مبحث در ۱۱۷ عبارت دارند.»

۸. فواید موضوعی کردن نهج البلاغه

بدیهی است منظور از موضوعی کردن نهج البلاغه جمع‌آوری مطالب پیرامون یک موضوع مشخص از جای جای نهج البلاغه و مرتب کردن آن برای اخذ نتیجه بهتر و همه جانبه از اندیشه والای آن حضرت است. با تحقق این منظور:

۱. دسترسی به محتوای نهج البلاغه و اطلاع از موضوعات آن و نهایتاً آشنایی با گنجینه عظیم معارف اسلامی آسان تر خواهد بود.
 ۲. واژه‌ها و اصطلاحات اسلامی به طور همه جانبه از منابع اصلی ترجمان وحی بدون کم و کاست به دست خواهد آمد و راه تحریف در اصطلاحات بسته خواهد شد. به عنوان نمونه آگاهی یافتن از واژه‌هایی مانند زهد، دنیا، قناعت، تقوی و... از دیدگاه امام علیه السلام و توضیح و تعریف و تقسیم آنها در نهج البلاغه وسیله‌ای است برای دسترسی مطلوب به معارف الهی و شناخت هرچه بیشتر علوم اسلامی.
- بدیهی است آن چه به این وسیله عاید می‌شود، در محدوده مفاهیم و موضوعات موجود در نهج البلاغه است و برای دستیابی به دیدگاه کامل امام علیه السلام در بعضی

موضوعات توجه به دیگر منابع و مطالب موجود از آن حضرت، مانند غررالحکم و دررالکلم، مستدرک نهج البلاغه و... سودمند و مکمل بحث خواهد بود.

۹. چگونگی استفاده از نهج البلاغه

بدیهی است استفاده از هر زبانی محتاج به فهم کامل آن زبان اعم از قالب، اصطلاحات، و محتوا و... است. برای اطلاع از نهج البلاغه آگاهی از ادبیات عرب تا سطوح بالا (معانی، بیان بدیع و...) ضرورت دارد.

طبیعی است که آگاهی از ادبیات عرب مقدمه ورود به نهج البلاغه است و محقق می‌تواند بداند که امام چه گفته و نوشته است، اما برای فهم کامل آن به شناخت دقیق تاریخ صدر اسلام، جامعه‌شناسی اسلام و جوامع اسلامی در عهد رسول خدا ﷺ و علی ﷺ، شناخت اندیشه و فرهنگ روحی - روانی قبایل مختلف عرب در عصر امیرالمؤمنین، اصول اعتقادات و مبانی فکری مسلمین، آشنایی با فقه اسلامی، شناخت اندیشه عرفانی عهد امام ﷺ، اقتصاد جامعه و مردم در زمان آن حضرت، اندیشه سیاسی و نحوه حکومت، آزادی‌ها در آن زمان و... نیاز است و بدون اطلاع از مسائل یاد شده و موارد بعضاً یاد نشده نمی‌توان از سر و سر بیان خدای سخن واقف شد.

آنچه گفته شد می‌تواند برای کسانی که تشنه بهره‌مندی از اقیانوس اندیشه والای امام الموحدین ﷺ هستند مددکار و کمک‌رسان باشد. کسانی که می‌خواهند با استفاده از پیام‌های حیات‌بخش، سفینه وجود خویش را از دریای متلاطم افکار متنوع و بعضاً منحرف به ساحل نجات رسانند و در صراط مستقیم الهی سلوک کنند.

به عنوان نمونه آشنایی با فرهنگ لغات و اصطلاحات نهج البلاغه، به فهم محتوای آن کمک می‌کند و اطلاع از اندیشه شارحین و مفسران بزرگی همچون ابن ابی‌الحدید، ابن‌میثم، علامه شوشتری و... راهی برای شناخت مسائل تاریخی، اجتماعی، جامعه‌شناسی، اعتقادی... که ذکر شد هموار می‌سازد.

بهره‌مندی از موضوعات نهج‌البلاغه، دیدگاه امام علی علیه السلام پیرامون یک موضوع را بهتر و کامل‌تر به ما معرفی می‌نماید و...

وقتی نهج‌البلاغه را «اخ القرآن» می‌نامیم باید بتوانیم برای توضیح هر یک، از دیگری استفاده کنیم. همین مطلب به ما می‌آموزد که باید ضمن دقت کامل در سخنان آن حضرت، محتوای قرآنی آن را استخراج نموده و از این راه دیدگاه امام معصوم علیه السلام در تبیین و توضیح کلام وحی به دست آوریم و در برخی موارد از نور هدایت الهی جهت پرده‌برداری از بیان معصوم علیه السلام استفاده کنیم.

خوب است بدانیم از میان شارحین نهج‌البلاغه هیچ یک مانند صاحب بهج‌الصباغه علامه شوشتری رحمته الله در این امر گام نزده است. این به معنای نادیده گرفتن زحمات و تلاش‌های دیگران نیست؛ بلکه توسعه این کار وسیله علامه از دیگران بیشتر و در خور تحسین است.

نکات فوق و شرایطی که در نتیجه‌گیری ذکر خواهد شد راه صحیح بهره‌مندی از کلام امام بیان را بر ما هموار می‌سازد. امید که عطش خویش را با زمزم زلال او فرو نشانیم و قلب خود را از دریای اندیشه‌اش مطهر سازیم.

نتیجه‌گیری

آنچه نگارش یافت چکیده‌ای از شناخت نهج‌البلاغه و منابع مورد استفاده جهت توضیح و تفسیر اندیشه ناب امیر بیان و امام کلام بود که پژوهنده این مسیر را به کار می‌آید و راه را بر دانشجوی این علوم هموار می‌سازد.

طبعاً شناخت فرهنگ نامه‌ها و شروح نهج‌البلاغه و نحوه استفاده از آنها کمک شایانی به فهم دقیق اندیشه امام علیه السلام می‌نماید، اما به تنهایی کفایت نمی‌کند و شخص پژوهش‌گر نیز باید دارای شرایطی باشد که تا آن شرایط تحقق نیابد پژوهش حقیقی به ظهور نخواهد رسید. برای پژوهش‌گر حقیقی صفاتی را برشمرده‌اند که در اینجا برای حسن ختام از نگاه

دکتر آصفی این اوصاف را برمی‌شمیریم:

۱. بضاعت کامل علمی و عملی در رشته خود و احاطه نسبی در سایر رشته‌ها؛
 ۲. آمادگی کامل برای فهم مطالب علمی؛
 ۳. آگاهی نسبت به زبان ویژه علم؛
 ۴. منطقی‌پذیری و استدلال‌گری؛
 ۵. تسلیم در برابر منطق، استدلال و علم؛
 ۶. بهره‌مندی از صراحت بیان؛
 ۷. پرهیز از ریا و تزویر؛
 ۸. سلامت نفس و پاک سرشتی؛
 ۹. دوری از غرض‌ورزی و انتقام‌جویی؛
 ۱۰. تواضع و فروتنی؛
 ۱۱. اجتناب از ستم‌گری و ظلم‌پذیری؛
 ۱۲. وفاداری و متعهد به اصول علمی؛
 ۱۳. نوع‌دوستی و پی‌ریزی برنامه تحقیق برای رفاه و نیاز جامعه؛
 ۱۴. پرهیز از تجمل‌پرستی و بلند پروازی؛
 ۱۵. صبوری و حوصله‌ورزی؛
 ۱۶. داشتن روحیه نقد واقعی و سازنده؛
 ۱۷. دوری از ضعف و ترسویی؛
 ۱۸. مدیریت و تدبیر مناسب در محدوده خویش؛
 ۱۹. انسان واقعی بودن با اهداف مقدس آن. (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۳)
- اضافه‌نمودن نکات زیر - هرچند اجمالاً در نوشته‌های دکتر آصفی یافت می‌شود -
ضرورت دارد:

۱. در انجام کار خلوص نیت داشته باشد و خدا را حاضر و ناظر خویش به حساب آورد.

۲. اعتماد به نفس داشته باشد به نحوی که بزرگی بزرگان او را به هراس نیفکند و از بیان حقیقت منصرفش نسازد.
۳. هیچ گاه خود را فارغ التحصیل و بی‌نیاز از آموزش تصور ننماید بلکه همیشه خود را نیازمند آگاهی و علم و تحصیل بداند.

منابع و مأخذ

۱. آل‌یاسین، شیخ محمد حسن، (۱۳۶۰) *نهج البلاغه از کیست؟*، ترجمه محمود عابدی، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
۲. ابن ابی‌الحدید، (۱۳۸۵ ق) *شرح نهج البلاغه*، چاپ دوم، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه.
۳. امامی، آشتیانی، (بی‌تا) *ترجمه و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه*، قم، هدف.
۴. بحرانی، علی بن میثم، (۱۴۰۴ ق) *شرح نهج البلاغه*، الطبعة الثانیه، خدمات چاپی.
۵. بیهقی، احمد بن علی، (۱۳۷۵) *تاج المصادر*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۶. تفضلی، آذر و مهین فضائلی، (۱۳۷۲) *فرهنگ بزرگان اسلام و ایران*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ اول.
۷. جعفری، سیدمهدی، (۱۳۷۳) *آموزش نهج البلاغه*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. جعفری محمدتقی، (۱۳۶۶) *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. جمعی از محققین، (۱۳۶۴) *کاوشی در نهج البلاغه*، تهران، انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۱۰. جمعی از نویسندگان زیر نظر علی‌اکبر رشاد، (۱۳۸۰) *دانشنامه امام علی*، تهران، چ اول.
۱۱. جمعی از نویسندگان، (۱۳۶۰) *یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه*، تهران، بنیاد نهج البلاغه، چ اول.

۱۲. جورداق، جرج، (۱۳۴۴) امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانیت، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، فراهانی.
۱۳. _____، (بی تا) *شگفتی های نهج البلاغه*، ترجمه و نگارش فخرالدین حجازی، بعثت.
۱۴. حسینی، محمود (آیت الله طالقانی)، (۱۳۵۶) *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران، چاپ آرمان.
۱۵. خاتمی، احمد، (۱۳۸۱) *فرهنگ نامه موضوعی نهج البلاغه*، تهران، سروش، ج اول.
۱۶. دشتی، محمد، (۱۳۷۹) *ترجمه نهج البلاغه*، قم، نیسم حیات، ج دوم.
۱۷. _____، (۱۳۶۸) *شناخت نهج البلاغه*، قم، نشر امام علی علیه السلام، ج اول.
۱۸. _____، (۱۳۷۶) *فرهنگ واژه های معادل نهج البلاغه*، تهران، موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۹. رضایی، عبدالرحمن، (۱۳۸۰) *در آستان آفتاب*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۰. شوشتری، شیخ محمدتقی (علامه)، (۱۳۷۸) *بهبج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*، تهران، امیرکبیر.
۲۱. شهرستانی، سیدهیبت الدین، (۱۳۵۹) *در پیرامون نهج البلاغه*، ترجمه سیدعباس میرزاده اهری، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ج سوم.
۲۲. شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۷۰) *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ج دوم.
۲۳. طوسی، بهرام، (۱۳۷۳) *راهنمایی پژوهش و اصول علمی مقاله نویسی*، مشهد، ترانه، ج اول.
۲۴. عسکری، مرتضی (علامه)، (۱۳۷۳) *ویژگی ها و دیدگاه های دو مکتب در اسلام*، ترجمه عطاء محمد سردارنیا، مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، ج اول.
۲۵. فیض الاسلام، سیدعلی نقی، (۱۳۷۵ ق) *ترجمه شرح صحیفه سجادیه*، بی جا.
۲۶. _____، (۱۳۲۶) *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، تهران، چاپ آفتاب.

۲۷. قاضی، قضاعی، (۱۳۶۲) دستور معالم الحکم، ترجمه دکتر فیروز حریرچی، تهران، امیرکبیر.

۲۸. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۷) مفردات نهج البلاغه، تهران، نشر قبله، چ اول.

۲۹. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۵۶) مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۰. مصطفوی، سیدجواد، (۱۳۷۲) پرتوی از نهج البلاغه، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

۳۱. _____، (۱۳۷۶) رابطه قرآن و نهج البلاغه، تهران، بنیاد نهج البلاغه،

چ سوم.

مجله

۱. فصلنامه علمی - پژوهشی صحیفه مبین، پیش شماره اول، معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی.

